

## موافقت نامه صحرائ سینا

## اجرای برنامه ایگلو وایت

درخاورمانه

مقامات دولتی آمریکا، پس از اعلام موافقت میان صحر و اسرائیل در صحرائ سینا، برنامه هائی را که جهت حفظ باصلاح صلح دارند اعلام کردند. در جزو این برنامه آمده است که متخصصین "غیر نظامی" آمریکائی - حدود ۲۰۰ نفر - در گردنه های ملیتوا جیدی، در صحرائ سینا مستقر خواهند شد، و هشت ایستگاه و سایل الکتریکی را که آمریکائی ها در آنجا بر پا خواهند نمود اداره خواهند کرد. مقامات آمریکائی، بدون ذکر جزئیات این برنامه صرفا اعلام کردند که از طریق این ایستگاه های الکتریکی آمریکا قادر خواهد بود حرکات نیرو های نظامی هر یک از طرفین دعوا - صحر و اسرائیل - را نظارت و کنترل نماید و هر گونه حمله نظامی غافل گیرانه را توسط یک نیرو طبقه بندی دیگری پیش گیری نموده و آنرا اعلام نماید. آمریکائی ها البته جزئیات برنامه را منتشر ناساختند، ولی گفتند که این نظیر برنامه ( ایگلو وایت ) است که در وقت نام اجرا میشود و اکنون با استفاده از تجارب و بیت نام میخواهند در منطقه صحرائ سینا از آن استفاده کنند.

برنامه ایگلو وایت چیست ؟ در وقت نام چه صورت اجرا شده است ؟ و هدف از اجرای آن در منطقه خاصه مینا چیست ؟ گزارش زیر باین سه سؤال اساسی جواب میدهد :

بطوریکه میدانیم، یک شورشگر هنگامیکه برایش مفید باشد بواحدهای کوچک ارتش ضد شورشگر حمله میکند. اما همواره سعی میکند مو تمی که توسط نیروهای قوی تر دشمن تهدید میشود از در گیری با آنها احتراز نماید. اینگونه بارزه به طور کلی موثر ترین نوع در گیری نظامی در مناطق کمرسیری کوهستانی - جنگلی - بهابائی و هر کجا بگری است که در آنجا نیروهای رسمی ارتش ضد شورشگر و سایل مکانیزه اش نمی توانند بطور موثری طبقه شورشگر کار کنند.

شورشگر برای جبران کمبود نیروی نفرا ت و آتش خود ناچارا میبایست حد اکثر استفاده را از محیط اطراف خود بعمل آورد. بطوریکه بتواند در هنگام حمله شگفت انگیز عمل نموده و به هنگام عقب نشینی پناهگاه مطمئن داشته باشد.

از طرف دیگر برای نیروهای ضد شورشگر شرایط طبیعی میدان و صحنه جنگ نیز خود یک نوع دشمن است که میبایست قبل از آنکه جنبش انقلابی مرکب شود فتح گردد. ارد و گاههای مقدم جبهه میبایست در مقابل حملات غافل گیرانه شورشگر صونیت داشته باشند. پاسداران در مقابل شیخون محافظت گردند. میبایست روش هائی ابداع شوند تا محل اختفای چریک را مشخص نماید. و قبل از حمله آنها ضد شورشگر حمله آنها را پیش بینی کرده و با پیش دستی شورشگر را تارو مار سازد.

در طی جنگ ویت نام، جنگجویان ویت کنگ ارتش آمریکا را عاجز نموده بودند، همه جا بودند اما هیچ کجا نمیشد آنها را پیدا کرد.

برای مقابله با این مشکل و یافتن راه حلهای تکنیکی بسا این نوع بارزه آمریکا باجاد علم ضبط آثار از محل دور و تکنیک های مربوط بان از قبیل نظارت و مراقبت ضد شورشگری و ضد پیشروی دشمن دست زد. تا بتواند بسا اختراع سیستم های مکانیکی " یادستگاههای گونده" برای ثبت و نگارش و مراقبت نیروهای چریکی، حرکت آنها را کنترل نموده و طبق برنامه خودش آنها را ازین به برد.

ژنرال و ستورلند فرمانده سابق نیروهای آمریکائی در ویت نام در این باره چنین گفته است :

" دشمنی که با او در ویتنام روبرو هستیم، به بسیار فریبنده و حیلگر میباشد. که بطور طبیعی از جنگسل انبوه برای استتار استفاده میکند. از طرف دیگر سربازان آمریکائی با وجود داشتن قدرت آتش فراوان و تحرک کافی قادر به یافتن محل دشمن نموده اند " گفته او آمریکا بصورت " یک غول بدون چشم " در آمده است.

بقیه در صفحه ۶

(مرحله اول جنگهای ۱۹۴۸) اما بعلت خیانت حکومت های هری، شکست خوردند. و عقب نشینی نمودند. اما در هیچ يك از این شکست ها - اعراب تسلیم نشدند. تلفات سنگینی دادند و آواره وبی خاتمان شدند. . . . مزارع، کارخانجات، ساکن خود را از دست دادند. صهیونیتی - تجاوز - اشغالگری را که پایگاه امپریالیسم انگلیس ( در آن موقع ) و آمریکا ( در حال حاضر ) است - نپذیرفتند. به تنگ تسلیم تن در ندادند.

در شکست ها - نیروی شکست خورده، امکانات و سرزمین هائی را از دست میدهد، زبانهائی می بزند، ولسی تسلیم نمیشود. در شکست، انسان آزادی خود را از دست میدهد، اما در تسلیم آزادی و انسانیت و شرافت خود را. در حرکات های انقلابی - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - نیروهای انقلابی بارها در برخورد ها و در گیری ها با دشمن - بعلت ضعف نظامی و غیره - از دشمن شکست خورده اند. . . اما دشمن نتوانسته است آنها را به تسلیم و مقبولیت دشمن وادار سازد. کودتای ۲۸ مرداد نهضت ملی ایران و صدق شکست خورد، اما مردم، هرگز وجود شاه و سلطه امپریالیسم آمریکا را با رضایت نپذیرفتند و تسلیم نشدند.

تسلیم شدن بدشمن مهربان خطرناکتر از شکست بسنود هو تأثیرات بسیار عمیق تری در جامعه میگذارد. و اینک رژیم

بقیه در صفحه ۲

در هفته اول سپتامبر - بعد از درونی طولانی از مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم میان اسرائیل و صحر و بد نبال تد اراکات فراوانی که توسط آمریکا تهیه شده بود بالاخره وزیر خارجه آمریکا موافقت صحر و اسرائیل را در مورد برخی از مسائل مربوط به صحرائ سینا و روابط میان صحر و اسرائیل اعلام نمود. و بد نبال آن نمایندگان صحر و اسرائیل متن موافقتنامه را امضا کردند.

مهم و محتوی این موافقت نامه ها چیست ؟ و تأثیرات آنی و در هر رس آن بر روی مسائل خاور میانه و آینده جنبش رهائی بخش خلق های عرب بطور عام و جنبش فلسطین بطور خاص چیست ؟ برنده کیست و بازنده کد است ؟

بررسی محتوی و متن موافقت نامه ( که در زیر آمده است ) نشان میدهد که اسرائیل بیش از پیش وضع خود را تثبیت نموده است. امپریالیسم آمریکا به تشدید و تقویت مواضع سیاسی - نظامی خود در منطقه پرداخته است و هر قدر مهای بزرگتر و جدیدی را در راه سازش و تسلیم برداشته است. و این سلفه تسلیم شدن - بعنوان اساسی ترین سلفه در کل سر نوشت جنبش خلقهای سلمان - عرب و فلسطین تأثیرات بسیار فراوانی خواهد گذاشت.

در طی دوران گذشته، از همان آغاز فعالیت های صهیونیست ها بهنگامی امپریالیسم انگلیس در منطقه برای تأسیس یک دولت صهیونیستی، برخورد ها و در گیری هائی متعدد دی میان اعراب و صهیونیست ها رخ داده است. در برخی از این در گیریها توده های عرب پیروز شدند.



نابودی فدائون فلسطین در لبنان که از هدفهای همیشگی اسرائیل بوده، شکنجی که در اردن صورت گرفت ممکن نبود. چه اولا صلاحیت و قدرت نظامی ارتش لبنان از ارتش اردن کمتر بوده و ثانیا اکثر افسران و درجه داران آنرا صحبان تشکیل میدهند. بهین جهت مواجه ارتش صهیونیسم با فلسطینی ها نه تنها ضامن پیروزی آن نبود بلکه با اضافه مورد اعتراض عموم طوائف غیر صهیونیسم لبنان قسرا سر میگرد. پس میبایست برای سرکوب کردن فلسطینی ها از عناصر ملیشهای افراطی داخلی لبنان برای چنین منظور استفاده کرد تا نزاع بصورت دو گروه متخاصم وبی ارتباط به بقیه مردم حلهو نماید. بهین منظور آنطور که حوادث لبنان نشان میدهد ملیشهای حزب کتائب که از احزاب صهیونیست راستی لبنان است از چند ماه قبل بشدت تمرینات داشته داری را بر ای جنگهای خیابانی شروع میکند. اسلحه مورد نیاز کتائب کما اینکه در اخبار تلویزیون C.B.B. آمریکا اعلام شد از طریق فروش اسلحه طی قرار دادی بین دولت

کو نوا مؤمنین حسینین \*  
مؤمنین حسینی باشید  
اینست شمار شیعیان مبارز لبنان  
حوادث چند ماهه اخیر لبنان که ناشی از نزاع افراطیون دست راستی لبنان با فدائون فلسطین بوده است و منجر به کشتار ها و تلفات و آتش سوزیهای اخیر در لبنان بخصوص در شهر بیروت و طرابلس شده است حاکی از دو واقعیت است. یکی توطئه و وسیع و دامنه داری برای نابودی اردوگاههای فدائون فلسطین و بیرون راندن ایشان از لبنان و دیگری بوجود آمدن مقاومت تازه ای در بین مردم محروم لبنان بخصوص شیعیان آنجا بسرای دفاع از سرزمین خود، جنوب لبنان در مقابل تجاوزات اسرائیل و نیز پشتیبانی ایشان از فدائون فلسطین در لبنان.

### فهرست مطالب

|    |  |
|----|--|
| ۲  | موافقت‌نامه صحرای سینا.....                                    |
| ۱۴ | اجرای برنامه ایگلووایت در خاورمیانه.....                       |
| ۲۳ | مؤمنین حسینی باشید.....  |
| ۲۶ | نگرانی رژیم خائن شاه از افشاگری‌های سازمان‌های بین‌المللی..... |
| ۲۷ | مشاور سازمان ملل متحد یا مباشر کمونیسم بین‌المللی؟.....        |
| ۲۹ | آیت‌الله منتظری در سیاه‌چال رژیم.....                          |
| ۳۱ | شناورشدن سلطان عمان و عربی ساختن جنگ ظفار!؟.....               |
| ۳۴ | اخبار.....   |
| ۳۷ | گزارش مخصوص از جنبش آزادی‌بخش فیلیپین.....                     |

## موافقت‌نامه صحرای سینا

در هفته اول سپتامبر - بعد از دورانی طولانی از مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم میان اسرائیل و مصر و بدنبال تدارکات فراوانی که توسط امریکا تهیه شده بود بالاخره وزیر خارجه امریکا موافقت مصر و اسرائیل را در مورد برخی از مسائل مربوط به صحرای سینا و روابط میان مصر و اسرائیل اعلام نمود. و بدنبال آن نمایندگان مصر و اسرائیل متن موافقت‌نامه را امضا کردند.

مفهوم و محتوی این موافقت‌نامه‌ها چیست؟ و تأثیرات آنی و دوررس آن بر روی مسائل خاورمیانه و آینده جنبش رهایی‌بخش خلق‌های عرب بطور عام و جنبش فلسطین بطور خاص چیست؟ برنده کیست و بازنده کدامست؟

بررسی محتوی و متن موافقت‌نامه (که در زیر آمده است) نشان می‌دهد که اسرائیل بیش از پیش وضع خود را تثبیت نموده است. امپریالیسم آمریکا به تشدید و تقویت مواضع سیاسی - نظامی خود در منطقه پرداخته است و مصر قدم‌های بزرگ‌تر و جدیدی را در راه سازش و تسلیم برداشته است.

و این مسئله تسلیم شدن - بعنوان اساسی‌ترین مسئله در کل سرنوشت جنبش خلق‌های مسلمان - عرب و فلسطین تأثیرات بسیار فراوانی خواهد گذاشت.

در طی دوران گذشته، از همان آغاز فعالیت‌های صهیونیست‌ها به همگامی امپریالیسم انگلیس در منطقه برای تأسیس یک دولت صهیونیستی، برخوردها و درگیری‌های متعددی میان اعراب و صهیونیست‌ها رخ داده است. در برخی از این درگیری‌ها توده‌های عرب پیروز شدند. (مرحله اول جنگ‌های ۱۹۴۸) اما بعلت خیانت حکومت‌های عربی، شکست خوردند. و عقب‌نشینی نمودند، اما در هیچ‌یک از این شکست‌ها - اعراب تسلیم نشدند. تلفات سنگینی دادند، آواره و بی‌خانمان شدند...

مزارع، کارخانجات، مساکن خود را از دست دادند. خانواده‌ها متلاشی شد ... اما اعراب وجود یک دولت صهیونیستی - متجاوز - اشغالگری را که پایگاه امپریالیسم انگلیس (در آن موقع) و آمریکا (در حال حاضر) است - نپذیرفتند. به ننگ تسلیم تن دردادند.

در شکست‌ها - نیروی شکست‌خورده، امکانات و سرزمین‌هایی را از دست می‌دهد، زیان‌هایی می‌بیند، ولی تسلیم نمی‌شود. در شکست، انسان ازادی خود را از دست می‌دهد، اما در تسلیم آزادی و انسانیت و شرافت خود را. در حرکت‌های انقلابی - چه اسلامی و چه غیراسلامی - نیروهای انقلابی بارها در برخوردها و درگیری‌ها با دشمن - بعلت ضعف

نظامی و غیره - از دشمن شکست خورده‌اند... اما دشمن نتوانسته است آنها را به تسلیم و مقبولیت دشمن وادار سازد. کودتای ۲۸ مرداد نهضت ملی ایران و مصدق شکست خورد، اما مردم، هرگز وجود شاه و سلطه امپریالیسم آمریکا را با رضایت نپذیرفتند و تسلیم نشدند.

تسلیم شدن به دشمن به مراتب خطرناک‌تر از شکست بوده و تأثیرات بسیار عمیق‌تری در جامعه می‌گذارد. و اینک رژیم مصر بعد از ناصر در سرآشویی سازش و تسلیم به دشمن و همکاری هرچه بیشتر با رژیم‌های ارتجاعی نظیر شاه و عربستان بیش از پیش و با سرعت حرکت می‌کند. «موافقت‌نامه صحرای سینا» تجسم و تبلور و خط‌مشی سازشکارانه و تسلیم‌طلبانه سادات می‌باشد. و این خیانتی است بزرگ و آشکار به مسلمانان، به اعراب به خلق فلسطین و به مردم مصر. برای درک عمیق سازشکاری رژیم مصر باید به بررسی قرارداد و موافقت‌نامه جدید پرداخت:

بررسی رئوس کلی موافقت‌نامه صحرای سینا: موافقت‌نامه صحرای سینا سه بخش عمده

دارد.

۱- توافقات و تعهدات میان اسرائیل و مصر.

۲- قرارداد میان آمریکا و اسرائیل.

۳- تعهدات و وعده‌های آمریکا در برابر مصر.

متن کامل این موافقت‌نامه‌ها تاکنون منتشر نشده‌اند حتی دولت آمریکا قبول نکرده است که کلیه مفاد موافقت را به خصوص آنچه میان آمریکا و اسرائیل به امضاء رسیده است به اطلاع سنای آمریکا برساند. ولی به هر تقدیر آنچه که تابحال چه به‌طور رسمی و یا غیررسمی فاش و منتشر شده است حاکی از نفوذ هرچه بیشتر آمریکا در منطقه و تحکیم بیش از پیش اسرائیل می‌باشد. به موجب این موافقت‌نامه‌ها «اسرائیل نیروی نظامی خود را از گردنه‌های جیدی و میلتا عقب خواهد کشید. پس از اشغال صحرای سینا در ۱۹۶۷ ارتش تجاوزگر اسرائیل با نصب تلسکوپ‌های نظامی در قله این گردنه‌ها، عبور و مرور نیروهای نظامی مصر و حرکت کشتی‌ها را در کانال سوئز تحت مراقبت دائم خود قرار داده بود. پس از عقب‌نشینی اسرائیل از گردنه‌های جیدی و میلتا، آمریکا ۶ ایستگاه کنترل الکتریکی در این گردنه مستقر خواهد ساخت که توسط حداقل ۲۰۰ نفر از متخصصین آمریکائی اداره خواهد شد. و آمریکا ظاهراً حرکت نیروهای نظامی هر دو طرف را تحت مراقبت دائم خود قرار خواهد داد تا حملات غافل‌گیرانه یک نیرو را علیه نیروی دیگر پیش‌گیری نماید. مجموعه این عملیات که بنام «عملیات ایگلوویت معروف است» در مقاله جداگانه در همین شماره مورد

بحث قرار گرفته است.

اسقرار ۲۰۰ نفر متخصصین آمریکائی مقدمه یک برنامه وسیع‌تری است. محافل پنتاگون پیش‌بینی می‌کنند که در صورتی که اسرائیل بپذیرد که بتدریج و مرحله‌به‌مرحله به مرزهای ۱۹۶۷ خود برگردد و در هر مرحله استقرار همین تعداد آمریکائی ضرورت پیدا کند، حداقل ۱۰/۰۰۰ آمریکائی در منطقه مستقر خواهد شد. و این به معنای شرکت مستقیم آمریکا در منطقه و امکانات کنترل هر چه بیشتر آن می‌باشد. اهمیت استقرار این گروه برای صهیونیست‌ها بحدی است که اسرائیلی‌ها آنرا «شرط مطلق قبول موافقت‌نامه جدید عنوان کردند» (۷۵/۹/۱۹).

اسرائیل با عقب‌نشینی از این گرده‌ها چیزی را از دست نمی‌دهد. چه امریکا جانشین آنها می‌گردد... و همان نقشه و برنامه آنها را - اما خیلی کاملتر و مفصل‌تر انجام خواهد داد. از طرف دیگر با عقب‌نشینی اسرائیل از این گرده‌ها، چیزی عاید مصر نمی‌گردد. خود این گرده‌ها، به لحاظ نظامی ارزش چندانی برای مصر ندارند. چه در حمله و جنگ احتمالی نیروهای زمینی مصر به دلیل ضعف نیروی هوائی‌اش (فقدان هواپیماهای جت جنگنده بمب‌افکن) و با توجه به برتری قدرت نیروی هوائی اسرائیل قادر نخواهد بود از این گرده عبور کرده و یا آنها را مورد استفاده قرار دهد. اعراب اصولاً فاقد سلاح‌های تهاجمی جنگ هستند. و سلاح‌های آنها عمدتاً از نوع دفاعی است. روس‌ها بارها درخواست اعراب را برای دریافت سلاح‌های تهاجمی رد کرده‌اند و حاضر نشده‌اند این‌گونه سلاح‌ها را در اختیار اعراب و مصر قرار دهند. لذا این گرده‌ها در شرایط کنونی توازن (یا عدم توازن) نیروهای نظامی نمی‌تواند برای مصر ارزش داشته باشد. در حالی که استقرار آمریکائی‌ها در این گرده به مراتب به نفع اسرائیل تمام خواهد شد. (به بحث بعدی و مفاد ایگلووایت رجوع کنید).

اسرائیل موافقت کرده است که که منطقه نفتی ابوردی را به مصر برگرداند. علاوه بر این برای رفت و آمد کارگران و کارمندان غیرنظامی مصری به مراکز نفتی مزبور، اسرائیل یک نوار باریک ارضی را در اختیار مصر خواهد گذاشت. آمریکا بابت قطع درآمد اسرائیل از نفت این منطقه سالانه ۳۵۰ میلیون دلار به اسرائیل خواهد پرداخت!! و برای تأمین احتیاجات نفتی اسرائیل، شاه در آستانه سفر خود به مصر، اعلام کرد که حاضر است در صورتی که اسرائیل منطقه نفتی ابوردی را به مصر برگرداند، احتیاجات نفتی اسرائیل را بطور کامل تأمین نماید.

پس از آنکه چهار ماده از قرارداد سری میان اسرائیل و آمریکا توسط سنای آمریکا فاش شد، علاوه بر تایید این مسئله آمریکا تعهد می‌کند که در صورتی که نفت ایران هم به

اسرائیل قطع شود (به هر دلیل) خود آمریکا نفت اسرائیل را تأمین نماید. واگر اسرائیل وسایل حمل و نقل نداشته باشد، آمریکا آن را نیز تأمین کند. بنابراین اگرچه مصر به این منافع نفتی خود دست خواهد یافت و می‌تواند سهمی از مصرف داخلی خود را تأمین کند و در نتیجه سالیانه مقداری ارز خارجی صرفه‌جوئی نماید، اما اسرائیل هم نه‌تنها ضرری نداده است بلکه علاوه بر تأمین کامل احتیاجات نفتی‌اش از طرف ایران سالانه ۲۵۰ میلیون دلار از آمریکا دریافت خواهد کرد. البته در گذشته هم ایران احتیاجات نفتی اسرائیل را تأمین می‌نموده است. اما بطور غیرمستقیم و پنهانی اما در شرایط بعد از این موافقت‌نامه، این نوع همکاری ایران و اسرائیل خیلی بیش از گذشته علنی می‌گردد و این در رابطه با ایجاد شرایط جو مساعد برای تسلیم اعراب (قبول ادامه اشغال سرزمین‌های عربی بدست اسرائیل) بسیار مهم می‌باشد. از طرف دیگر، اسرائیل از هم‌اکنون به یک‌سری عملیات اکتسابی برای جستجوی منابع نفتی در صحرای سینا دست زده است. مجله وال‌استریت نوشت (۷۵/۹/۱۵) که اسرائیل صحرای سینا را به هیچ‌وجه تخلیه نخواهد کرد. چه در سال گذشته ۲۵۰ میلیون دلار خرج اکتشافات نفتی نموده است» لذا می‌بینیم که اسرائیل با دریافت ۲۵۰ میلیون دلار از آمریکا و خرج ۲۵۰ میلیون آن در صحرای سینا، بزودی به منابع وسیع‌تر نفتی جدیدی دست خواهد یافت.

آمریکا تعهد کرده است که در حدود ۶۰۰ میلیون دلار مواد غذایی - گندم - به مصر کمک نماید و ضمناً آمریکا وعده کرده است که درخواست‌های آینده مصر را برای سلاح‌های جنگی مورد توجه قرار دهد.

مصر و اسرائیل، هر دو متعهد می‌شوند که برای حل اختلافات بین خود از نیروی نظامی استفاده نکنند. این تعهد پیش از آنکه ارزش و یا مفهوم نظامی داشته باشد دارای مفهوم سیاسی است. که در رابطه با سایر مفاد، مشخص و روشن می‌گردد تعهد عدم استفاده از نیروی نظامی، برای اسرائیل که درحال حاضر سرزمین‌های عربی را با نیروی نظامی خود اشغال کرده است و عقب‌نشینی هم نمی‌کند مفهومی ندارد. اما برای مصر، که بخش وسیعی - ۹۰ درصد - صحرای سینا را از دست داده است این تعهد بدان معنا است که اگر اسرائیل حاضر به عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی نگردد، مصر از راه حل نظامی و جنگ برای آزادساختن این سرزمین‌ها استفاده نخواهد کرد. و این یعنی راحت‌کردن خیال اسرائیل از جبهه سینا، و تقلیل فشارهای سیاسی - نظامی موجود بر اسرائیل. از آنجا که همیشه جبهه مصر، بزرگ‌ترین جبهه برای اسرائیل بوده است و هم بزرگ‌ترین نیروهایش را می‌بایست متوجه این منطقه سازد، این آرامش باعث خواهد شد که اسرائیل نیروهای نظامی که عمدتاً نیروی کارگر تولیدکننده است به کارخانجات برگرداند (برای توضیحات بیشتر به کتاب

جنگ اکتبر و خاورمیانه نشریه نهضت آزادی ایران رجوع کنید) حالت «جنگ» اقتصاد اسرائیل را روانه بن بست‌های زیادی کرده است. کسر بودجه اسرائیل - یک کشور سه میلیون نفری - در سال قبل بیش از یک میلیارد دلار بوده است. و نسبت تورم در اسرائیل بالاترین درجه را داشته است.

مصر و اسرائیل موافقت کرده‌اند که یک دیگر را تحت محاصره نظامی قرار ندهند! اما واضح است که منظور این موافقت آنست که مصر به محاصره نظامی اسرائیل خاتمه دهد، و گر نه اسرائیل چگونه می‌تواند مصر را «محاصره نظامی» نماید!

در واقع این ماده به مبنای تقلیل فشار نظامی در مرزهای اسرائیل می‌باشد.

مصر و اسرائیل با ادامه استقرار نیروهای سازمان ملل متحد در سواحل شرقی کانال سوئز برای مدت سه سال موافقت می‌نمایند. در اینجا نیز قضیه بخوبی روشن است که موافقت اسرائیل با استقرار نیروهای سازمان ملل متحد در سرزمین‌هایی که اشغال کرده است و در حال حاضر نیروهای سازمان ملل در آنجا مستقر هستند یک موافقت کاملاً بی‌معنایی می‌باشد. در طی جنگ‌ها و زدوخوردهای گذشته، اسرائیل هیچ‌گاه به استقرار نیروهای سازمان ملل در درون مرزهای خودش موافقت نکرده است. و در موارد مشابهی، نیروهای سازمان ملل بالاجبار در درون مرزهای مصر مستقر بوده‌اند.

مصر می‌پذیرد که کانال سوئز به روی کلیه کشتی‌هایی که به اسرائیل می‌روند و یا از بنادر اسرائیل حرکت می‌کنند باز باشد. این ماده نیز از جهت اقتصادی به نفع اسرائیل است. نخست‌وزیر اسرائیل گفت که:

«اسرائیل قرارداد را امضاء نخواهد کرد مگر آنکه مصر اجازه بدهد کشتی‌های حامل کالا به مقصد اسرائیل از کانال سوئز عبور کنند. (خبرگزاری‌ها ۷۵/۹/۱۸) مصر تعهد کرده است که فشارها و بایکوت اقتصادی علیه اسرائیل را تقلیل دهد.

در سال‌های قبل، در زمان ناصر اتحادیه عرب، پیشنهاد مصر، طرح محاصره اقتصادی اسرائیل و بایکوت کردن کشورها و کمپانی‌هایی را که با اسرائیل روابط اقتصادی دارند تصویب نمود.

به موجب این طرح کمپانی‌ها - بانکها - صنایعی که در اسرائیل فعال هستند حق فعالیت و دادوستد با کشورهای عربی را ندارند. این بایکوت بتدریج توانسته بود اثرات خود را ظاهر سازد و اسرائیل را تحت فشار اقتصادی بیشتری قرار دهد. بعد از جنگ ۶۷ و بالارفتن بهای نفت و ازدیاد موجودی دلار کشورهای عربی کمپانی‌های غربی بیش از پیش به توسعه روابط اقتصادی خود با اعراب شور و علاقه نشان می‌دادند و می‌دهند. در حالی که بسیاری از آنها جزو لیست سیاه اعراب هستند. مصر با قبول چنین تعهدی کلیه دستاوردهایی را که

اعراب در طی سال‌های قبل در زمینه محاصره اقتصادی اسرائیل بدست آورده‌اند همه را خنثی ساخته و برباد می‌دهد.

مصر می‌پذیرد که تبلیغات سیاسی خود را علیه اسرائیل کاهش دهد. تبلیغات سیاسی اعراب علیه اسرائیل در دو سطح انجام می‌گیرند. اول در سطح توده‌های عرب و از طریق رادیو و مطبوعات عربی. تقلیل و کاهش این تبلیغات در واقع به معنای دعوت توده‌های عرب به قبول وجود اسرائیل در سرزمین‌های عربی است. سادات بدون پروا باکمال صراحت از قبول و پذیرش اسرائیل سخن می‌گویند: اسرائیل یک واقعیت تثبیت شده و مستقر می‌باشد. یک حقیقت است. اگر بعضی‌ها می‌خواهند سرشان را زیر شن‌ها پنهان کنند من جزو آنها نیستم.

حاشیه‌رفتن... اسرائیل را به دریا ریختن حرف خالی است، که به هیچ وجه حقیقت را معرفی نمی‌کند...»

(یواس نیوزلند ورلد ریپورت ۹/۲۲) به این ترتیب به نظر آقای سادات هرچه که مستقر باشد حقیقت و واقعیت است و باید قبول کرد! و لابد با این منطق مردم استعمارزده جهان، خلق‌های مسلمان و مردم عرب باید وجود امپریالیسم و تسلط آن را بر منابع طبیعی و غارت سرمایه‌های ملی بپذیرند.

این بیان سادات خود معرف سقوط بیش از پیش رژیم مصر در سرایشی تسلیم به دشمن می‌باشد. چنین تزی را اولین بار حبیب بورقبیه رهبر غرب زده تونس در سال ۱۹۶۶ مطرح ساخت که سخت مورد اعتراض مردم عرب و بسیاری از دولت‌های عربی - منجمله ناصر - قرار گرفت. در همان زمان بورقبیه برای دیدار رسمی به لبنان سفر کرد، و چنان با خشم و غضب مردم روبرو شد که مجبور شد سفر خود را نیمه تمام گذاشته و لبنان را ترک کند، اما امروز سادات با کمال وقاحت همان تزی را عملاً مطرح ساخته و اجرا می‌نماید. ظاهراً هم عکس‌العمل چندان از طرف مردم نشان داده نمی‌شود!؟

سطح دیگر تبلیغات سیاسی اعراب علیه اسرائیل در محافل جهانی است که روز بروز موفقیت‌آمیزتر بوده است به طوری که اسرائیل بیش از پیش ایزوله و محکوم شده است. اسرائیل به خاطر تجاوزات ضدانسانی و ضد مذهبی‌اش به مراکز مذهبی مسلمانان و سایر ادیان بارها از طرف مراکز و محافل بین‌المللی محکوم شده و اخیراً هم از یونسکو اخراج شده است.

بی‌اعتنائی اسرائیل به مقررات سازمان ملل (بخصوص قطع‌نامه ۲۴۲) باعث شده است که کشورهای دنیای سوم، اخراج اسرائیل را از سازمان ملل بطور جدی مورد بحث قرار دهند! علی‌رغم فشارهای سیاسی و دیپلماتیک ابرقدرت‌ها، اکثر کشورهای جهان حق حاکمیت ملی



مردم فلسطین و الفتح را بعنوان نماینده خلق فلسطین به رسمیت شناختند و با شرکت الفتح در سازمان ملل، مردم فلسطین پیروزی بزرگی در مبارزات سیاسی در صحنه جهانی بدست آوردند.

موافقتنامه تسلیم شدن مصر به توطئه‌ای صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها، به این پیروزی‌ها لطمه‌های جدی و جبران‌ناپذیری خواهد زد.

آمریکا موافقتنامه جداگانه‌ای با اسرائیل منعقد ساخته است که طی آن آمریکا ارسال سلاح‌های نظامی را به مبلغ سه میلیارد دلار به اسرائیل تعهد کرده است. در جزو این سلاح‌ها مدرن‌ترین وسائل جنگی - تهاجمی و تدافعی وجود دارند. برخی از این سلاح‌ها عبارتند از:

۱- موشک‌های لینس Lance با بردی برابر با ۷۰ مایل و قدرت حمل مواد انفجاری اتمی و غیراتمی. قرار است تعداد یکصد عدد از این موشک‌ها از اول اکتبر به تدریج به اسرائیل تحویل داده شود.

۲- موشک‌های پرشینگ Pershing با بردی برابر با ۴۵۰ مایل. این موشک‌ها اساساً برای حمل مواد انفجاری اتمی می‌باشند. ولی می‌توانند مواد انفجاری غیراتمی را نیز حمل کنند. این موشک‌ها بر دو نوعند، نوعی که قادر است یک منطقه وسیعی را متلاشی و نابود سازد. و نوع دیگر آن برای تخریب و انفجار هدف‌های انتخابی و شخصی می‌باشد. این نوع دوم جدیدترین نوع آنست که براساس دکترین نظامی آمریکا (تزاشلسینگر وزیر دفاع) تهیه شده است و این تز که بنام دکترین پاسخ با نرمش Flexible Response Doctrine می‌باشد عبارتست از «جنگ اتمی محدود». بنا به اظهار مقامات پنتاگن، این موشک‌ها به آمریکا اجازه می‌دهد که جنگ اتمی محدودی را علیه دشمن آغاز نماید. متخصصین آمریکائی، البته معتقدند که استفاده از موشک‌های مزبور همراه با مواد انفجاری اتمی، بهرحال به جنگ اتمی وسیعی منجر خواهد شد. اگر چه آمریکائی می‌کوشد تلفات حاصل از استفاده این موشک‌ها را ناچیز جلوه دهد (از هزار تا ۲۶ هزار نفر) اما به موجب تحلیل لوس‌آنجلس تایمز (۷۵/۹/۱۸)، «تعداد تلفات از ۸۰۰ هزار نفر تا ۲۲ میلیون نفر پیش‌بینی شده است این تلفات شامل تلفات انفجارات اتمی به اضافه تلفات ناشی از آتش‌سوزی‌ها، تشعشعات اتمی (در جنگ اتمی محدود تلفات ناشی از تشعشعات اتمی را بالغ بر ۷۸۰/۰۰۰ نفر پیش‌بینی کرده‌اند) تلفات ثانوی حاصل قطع ارتباطات تلفنی - الکتریکی - بیمارستان‌ها و غیره می‌باشد....» سناتور سمینگتون رئیس کمیسیون فرعی کنترل سلاح‌ها و قراردادهای امنیتی، در بررسی خود گزارش می‌دهد که: برآورد واقعی از تلفات انسانی در یک جنگ اتمی

محدود، و حمله به هدف‌های استراتژیکی مشخص در حدود ۶/۷ میلیون نفر می‌باشد. و این تصویر روشنی است از بهای ممکن در یک حمله علیه مراکز نظامی، (لوس‌آنجلس تایم ۷۵/۹/۱۸).

از آنجا که موشک پرشینگ اصولاً برای موارد، عکس‌العمل‌های سریع تهیه شده است می‌توان آنها را به سرعت از یکجا به جای دیگر منتقل ساخت و با عجله آنرا آتش کرد. لذا در برابر حملات دشمن کمتر زخم‌پذیر هستند.

البته دولت آمریکا مدعی است که این موشک‌ها بدون مواد انفجاری اتمی به اسرائیل داده خواهد شد. و اسرائیل آنها را فقط با مواد انفجاری غیر اتمی مجهز خواهد ساخت. اما بنا بر اطلاعات موجود اسرائیل می‌تواند و قادر است خود آنها را با مواد انفجاری اتمی مجهز سازد.

علاوه بر این آقای هربرت اسکویل، معاون سیای آمریکا و متخصص کنترل سلاح‌ها معتقد است که: «موشک‌های پرشینگ بعنوان یک اسلحه - بدون مواد انفجاری اتمی - بکلی بی‌معنا خواهد بود». بعلاوه استفاده از این موشک‌ها برای بمباران‌های عادی (غیر اتمی) به هیچ‌وجه مقرون به صرفه نیست و خیلی گران تمام خواهد شد. برای بمباران‌های عادی هواپیماهای جت اف ۴ با سرعت بیشتر و مخارج کمتر مناسب‌تر می‌باشند.

مجهز شدن اسرائیل با موشک‌های پرشینگ این امکان را به اسرائیل می‌دهد که از درون مرزهای خود، قسمت اعظم سرزمین‌های عربی را که در شعاع ۴۵۰ مایلی مرزهای اسرائیل قرار دارند زیر آتش بمباران خود قرار دهد. بدون آنکه موشک‌های ضد هوائی مصر که در جنگ رمضان (اکتبر) عرصه را بر هواپیماهای مصری تنگ کرده بودند، بتوانند ممانعتی بعمل بیاورند. در واقع دیواره دفاع ضد حملات هوائی مصر به این ترتیب خنثی میگردد.

آمریکا درخواست اسرائیل را برای تحویل هواپیماهای بمب افکن جنگنده اف ۱۶ و اف ۱۵، وسایل الکترونیکی و مهمات جنگی که با اشعه لیزر هدایت می‌شوند (نظیر تانک‌های ام ۶۰-T و ایک-۲۱) می‌پذیرد. آمریکا مسئولیت دفاع از اسرائیل را در برابر حملات احتمالی یک ابر قدرت دیگر می‌پذیرد.

اسرائیل علاوه بر شرایط دیگر برای امضای قرارداد اعلام کرده است که: یک قرارداد نظامی دوجانبه بین اسرائیل و آمریکا کلید اصلی صلح در منطقه است (یواس نیوزاند ورلد ریپورت ۷۵/۹/۸). وزیر دفاع اسرائیل شمعون پیر تعهدات آمریکا را برای ضبط امنیت اسرائیل «یک شرکت ضروری اعلام کرد».

پیروزی کیسنجر و صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها در تحمیل چنین قراردادی به قدری مهم بود که وقتی به واشنگتن برگشت پرزیدنت فورد و معاونش راکفلر هر دو از او در

فرودگاه استقبال کردند. و این در تاریخ آمریکا بی سابقه بوده است. سنای امریکا قراردادها را به اتفاق آراء - بدون رأی مخالف - تصویب کرد. همزمان با طرح قرارداد در سنای آمریکا، نخست‌وزیر - وزیر دفاع و وزیر مالی اسرائیل به واشنگتن آمدند.

یگال آلن (۷۵/۹/۱۵ - یواس نیوزاندورلد ریپورت) در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: من نمی‌فهمم که چرا آمریکائی‌ها باید از رشد و گسترش نقش فعال امریا در خاورمیانه نگران باشند که بعد از مدت‌ها رشد و گسترش نفوذ شوروی در منطقه امریکا مجدداً بصورت یک قدرت بزرگ به صحنه وارد می‌شود... یک اسرائیل قوی زنده قابل دفاع و تثبیت شده، سرمایه بزرگی است برای امریکا نه بار گرانی بر دوش او... ما نه ژاندارم منطقه هستیم و نه ابزار و آلت دست سیاست خارجی امریکا در این منطقه از دنیا. بلکه یک وحدت و اشتراک منافع و اهداف وجود دارد.

پیروزی کیسینجر - همه کشورهای سرمایه‌داری غرب را شاد و خرسند ساخت. تایمز لندن نوشت که: آنچه را که امریکا در آسیای جنوب شرقی از دست داده است یا در جنوب غربی اروپا... در خاورمیانه با موفقیت زیادی جبران کرده است... حتی دو کشور وابسته به شوروی، سوریه و عراق، مشتاق جلب نظر موافق سرمایه‌گذاران آمریکائی هستند. آلمان غربی موافقت نامه را تمجید کرد. ژاپن اعلام کرد: موافقت‌نامه یک آینده درخشانی را از صلح و ترقی بوجود می‌آورد.

و بالاخره مقامات اسرائیلی که با شادی و شغف زیاد از قرارداد جدید با مصر سخن می‌گویند موضع خود را چنین تشریح کردند: ما از ۱۹۶۷ مرتب بدنبال آن بوده‌ایم که وقت خود را بگذرانیم. حداقل ممکن زمین را پس بدهیم و بزرگ‌ترین خطر برای ما طرح راجرز بود، که موجب آن ما مجبور بودیم به مرزهای سال ۶۷ برگردیم. موافقت‌نامه جدید با مصر میخ دیگری بر تابوت آن سیاست (بازگشت به مرزهای ۶۷) می‌باشد. ما قبول داریم و می‌فهمیم که همه دنیا در مورد مرزها علیه ما هستند. و ما بطور خطرناکی متکی به یک کشور واحد برای سلاح‌های دقیق هستیم. اما بهر تقدیر ما در ۷-۸ سال گذشته موفق بوده‌ایم و می‌توانیم تا ده سال دیگر هم مانور بدهیم. اگر موافقت‌نامه فعلی بجای سه سال به ما ۶ ماه وقت می‌داد باز می‌پذیرفتیم. چه تنها راه بعدی در برابر ما رفتن به کنفرانس ژنو بود که باز هم به معنای فشار بیشتر برای بازگشت به مرزهای ۶۷ است. در حالی که موافقت‌نامه جدید رفتن ما را به ژنو به تأخیر می‌اندازد. و در عین حال هم اسلحه و هم پول و هم هماهنگی میان سیاست ما و واشنگتن بوجود می‌آورد و هم آرامش در سینا بطور نسبی، ما برای میزان ناچیزی که از دست دادیم، مقادیر زیادی بدست آوردیم. بطوری که

مشهود است این موافقت‌نامه جز به سرافکنندگی و تسلیم و خفت هرچه بیشتر ثمره‌ای برای مصر و اعراب ندارد. این موافقت‌نامه نیست بلکه یک تسلیم محترمانه‌ای است به صهیونیسم و امپریالیسم.

این موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای سری، اساسی‌ترین مسئله خاورمیانه یعنی حق حاکمیت مردم فلسطین را به کلی نادیده انگاشته است.

ماده دوم از موافقت‌نامه کنفرانس صلح ژنو بین اسرائیل و آمریکا تأکید می‌کند که «امریکا همچنان سیاست فعلی خود را درباره جنبش آزادی‌بخش فلسطین ادامه خواهد داد. و آن را به رسمیت نخواهد شناخت.»

این موافقت‌نامه‌ها همچنین سرنوشت سایر مناطق اشغالی من جمله سوریه و اردن و فلسطین و اماکن مقدسه را به کلی مسکوت گذارده است و آنها را موکول به توافق یک «صلح کلی» در منطقه نموده است.

ماده ۱۴ از قرارداد بین آمریکا و اسرائیل، با کمال صراحت و وقیحانه اعلام می‌کند که آمریکا و اسرائیل، تنگه‌های باب‌المنذب و جبل‌الطارق را آب‌های بین‌المللی اعلام نموده و حق کشتی‌رانی آزاد را برای خود به رسمیت شناخته و به خود اجازه می‌دهند که به هر وسیله‌ای که صلاح بدانند، از طرق دیپلماتی یا غیر آن (منظور نظامی است) این آزادی را تأمین نمایند. و همچنین «توافق کرده‌اند که هواپیماهای اسرائیلی آزادانه در منطقه دریای احمر پرواز کنند.»

این توافق‌نامه‌ها، بخوبی وسعت میدان عملیات اسرائیلی و آمریکا را در منطقه و نیات آنان را نشان می‌دهد، که می‌خواهند کلیه منطقه را تحت کنترل نظامی خود درآورند. بدست شاه ایران کلیه خلیج فارس را و بدست اسرائیل منطقه‌ای از باب‌المنذب و دریای سرخ و کانال سوئز را. (رابطه کنترل دریای سرخ و باب‌المنذب را نه تنها از باب آزادی کشتیرانی در این منطقه بلکه از باب جنبش رهائی‌بخش اریتریه و سرنوشت حبشه و سومالی و کلیه سواحل غربی دریای احمر باید در نظر داشت).

با اجرای طرح ایگلووایت آمریکا و اسرائیل حرکت نیروهای انقلابی را در هر قسمت و هر بخشی از منطقه می‌توانند کنترل دائم نمایند.

این موافقت‌نامه‌ها بحق مورد شدیدترین اعتراض‌های مردم فلسطین الفتح و یاسر عرفات قرار گرفته است.

و یاسر عرفات اعلام کرد که مردم فلسطین به تأسیسات نظامی امریکائی در منطقه سینا، و در هر کجای دیگر، بعنوان مراکز دشمن حمله خواهد کرد.

یاسر عرفات در مصاحبه مطبوعائی دیگری (۷۵/۱۰/۱۳) یواس نیوز اندورلد ریپورت)

اعلام کرد که موافقت‌نامه اخیر مصر و اسرائیل نه تنها امکان صلحی را برای خاورمیانه بوجود نیاورده است بلکه خطر جنگ را تشدید کرده است! این موافقت‌نامه اساسی‌ترین علت مشکل یعنی مسئله فلسطینی‌ها را بکلی ندیده گرفته است. بعلاوه سرزمین‌های عربی هنوز در اشغال اسرائیل است و اسرائیل از تحویل آنها سرباز می‌زند.

شرکت آمریکا در سینا مشابه شرکت امریکا در جنگ ویتنام است که ابتدا با اعزام «متخصصین» و مستشاران آغاز گردید و به اعزام تیم ملیون سرباز منتهی شد. «سپس عرفات به تجهیزات جدیدی که آمریکا قرار است به اسرائیل بدهد اشاره کرده و می‌گوید: «به موجب قراردادهای سری بین اسرائیل و امریکا، پیشرفته‌ترین سلاح‌ها در اختیار اسرائیل قرار خواهد گرفت. این سلاح‌ها برای ذخیره در انبارها نیست آنها برای استفاده در یک مواقع خاصی است علیه مردم عرب و فلسطینی‌ها. شما به تشدید حملات نظامی اسرائیل به اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی و دهات جنوب لبنان نگاه کنید که تحت بمباران‌های هوایی روزمره اسرائیل هستند.»

سپس عرفات روشن می‌کند که: ما می‌دانیم که جنگ بسیار طولانی و مشکل خواهد بود و تا زمانی که فلسطینی‌ها آواره و سرگردان و بی‌خانمان هستند ادامه خواهد داشت. اما در حالی که سرزمین ما توسط صهیونیست‌های بین‌المللی با پشتیبانی آمریکا تحت اشغال است، مردم فلسطین راهی جز ادامه جنگ ندارند. ما به مبارزه تا تحقق تمامی اهداف خود با استفاده از تمامی امکانات و وسائل و راه‌ها همچنان ادامه خواهیم داد. (تکیه از ماست).

در مادرید فلسطینی‌ها، با گروگان گرفتن سفیر مصر و اعضای سفارت اعتراض جدی و شدید خود را نشان دادند و اعلام کردند که برای وصول به هدف‌های خود از هیچ‌کاری خودداری نخواهند کرد.

صدای فلسطین از بغداد خبر داد که «سادات از یک توطئه ترور فرار کرد». اگر چه قاهره آن را تکذیب کرد اما سادات بلافاصله حملات شدیدی را علیه عرفات آغاز کرد و صدای فلسطین را از قاهره قطع نمود.

هموطنان عزیز: ما در گذشته، در تحلیل‌های خود نشان داده‌ایم که حل مسئله خاورمیانه بدون حل عادلانه مسئله فلسطینی‌ها و سرزمین آنها امکان‌پذیر نیست. کوشش‌های گذشته و اخیر آمریکا و اسرائیل و سران دولت‌های عربی کوشش برای حل مشکلات اصلی خاورمیانه نیست بلکه کوششی است برای اجتناب از حل متناقض اصلی و سرپوش گذاشتن بر آن و انحراف از آن. کوشش ابرقدرت‌ها - خواه بصورت فعال (امریکا) و خواه بصورت غیرفعال (روسها) و همکاری و مشارکت دولت‌های مرتجع عربی و غیرعربی برای موفقیت در مذاکرات صلح، ناشی از ترس آنها از توسعه جهاد مسلحانه مردم منطقه و در نتیجه

اخراج نیروهای اشغالگر از سرزمین‌های اشغالی و قطعید امپریالیسم از چپاول و غارت منابع طبیعی منطقه و پایان بخشیدن به سلطه ارتجاع و استبداد و استعمار در منطقه می‌باشد.

به همین دلیل است که مسلمانان مترقی و متعهد، و همه نیروهای آزادی‌خواه موافقت‌نامه جدید را توطئه دیگری از شیطان‌صفتان و نیروهای امپریالیستی می‌دانند و آن را محکوم می‌کنند و همه نیرو و امکانات و استعداد‌های خود برای خنثی ساختن این توطئه‌ها و درهم‌شکستن آن به کار می‌برند.

خلق‌های ستم‌دیده جهان - مستضعفین - با پیکار مستمر و حقل‌طلبانه خود بزودی طومار هستی ستمگران جهان را درهم خواهند پیچید.

توطئه‌های اسرائیل، آمریکا، دولت‌های ارتجاعی و استبدادی از سادات تا شاه قادر نخواهند بود سرنوشت محتوم آنها را تغییر دهند.

مرگ بر توطئه‌گران

پیروز باد خلق‌های ستم‌دیده منطقه و جهان

گسترده باد انقلاب نوین اسلامی رهائی‌بخش واقعی توده‌های زحمتکش جهان

## اجرای برنامه ایگلووایت در خاورمیانه

مقامات دولتی امریکا، پس از اعلام موافقت میان مصر و اسرائیل در صحرای سینا، برنامه‌هایی را که جهت حفظ باصطلاح صلح دارند اعلام کردند. در جزو این برنامه آمده است که متخصصین «غیرنظامی» آمریکائی - حدود ۲۰۰ نفر - در گردنه‌های میلتا و جیدی، در صحرای سینا مستقر خواهند شد، و هشت ایستگاه وسایل الکترونیکی را که آمریکائی‌ها در آنجا برپا خواهند نمود اداره خواهند کرد. مقامات امریکائی، بدون ذکر جزئیات این برنامه صرفاً اعلام کردند که از طریق این ایستگاه‌های الکترونیکی آمریکا قادر خواهد بود حرکات نیروی نظامی هریک از طرفین دعوا - مصر و اسرائیل - را نظارت و کنترل نماید و هرگونه حمله نظامی غافل‌گیرانه را توسط یک نیرو علیه نیروی دیگر پیش‌بینی نموده و آن را اعلام نماید. آمریکائی‌ها البته جزئیات برنامه را منتشر نساختند، ولی گفتند که این نظیر برنامه «ایگلووایت» است که در ویتنام اجرا می‌شده است و اکنون با استفاده از تجارب ویتنام می‌خواهند در منطقه صحرای سینا از آن استفاده کنند.

برنامه ایگلووایت چیست؟ و در ویتنام به چه صورت اجرا شده است؟ و هدف از اجرای

آن در منطقه خاورمیانه چیست؟ گزارش زیر به این سه سؤال اساسی جواب می‌دهد:

به طوری که می‌دانیم، یک شورشگر هنگامی که برایش مفید باشد به واحدهای کوچک ارتش ضدشورشگر حمله می‌کند. اما همواره سعی می‌کند موقعی که توسط نیروهای قوی‌تر دشمن تهدید می‌شود از درگیری با آنها احتراز نماید. این‌گونه مبارزه به طور کلی موثرترین نوع درگیری نظامی در مناطق گرمسیری کوهستانی - جنگلی - بیابانی و هر کجا دیگری است که در آنجا نیروهای رسمی ارتش ضدشورشگر و وسایل مکانیزه‌اش نمی‌توانند بطور موثری علیه شورشگر کار کنند. شورشگر برای جبران کمبود نیروی نفرات و آتش خود ناچاراً می‌بایست حداکثر استفاده را از محیط اطراف خود بعمل آورد. به طوری که بتواند در هنگام حمله شگفت‌انگیز عمل نموده و به هنگام عقب‌نشینی پناهگاه مطمئن داشته باشد.

از طرف دیگر برای نیروهای ضدشورشگر شرایط طبیعی میدان و صحنه جنگ نیز خود یک نوع دشمن است که می‌بایست قبل از آنکه جنبش انقلابی سرکوب شود فتح گردد. اردوگاه مقدم جبهه می‌بایست در مقابل حملات غافل‌گیرانه شورشگر مصونیت داشته باشند. پاسداران در مقابل شبیخون محافظت گردند. می‌بایست روش‌هایی ابداع شوند تا محل اختفای چریک را مشخص نماید. و قبل از حمله آنها ضدشورشگر حمله آنها را پیش‌بینی کرده و با پیش‌دستی شورشگر را تارومار سازد.

در طی جنگ ویتنام، جنگجویان ویت‌کنگ ارتش آمریکا را عاجز نموده بودند، همه‌جا بودند اما هیچ‌کجا نمی‌شد آنها را پیدا کرد.

برای مقابله با این مشکل و یافتن راه‌حل‌های تکنیکی با این نوع مبارزه آمریکا به ایجاد علم ضبط آثار از محل دور و تکنیک‌های مربوط به آن از قبیل نظارت و مراقبت ضد شورشگری و ضدپیشروی دشمن دست زد. تا بتواند با اختراع سیستم‌های مکانیکی «یا دستگاه‌های گیرنده» برای ثبت و نگارش و مراقبت نیروهای چریکی، حرکت آنها را کنترل نموده و طبق برنامه خودش آنها را از بین ببرد.

ژنرال وستمورلند فرمانده سابق نیروهای آمریکائی در ویتنام در این‌باره چنین گفته است:

«دشمنی که با او در ویتنام روبرو هستیم، بسیار فریبنده و حيله‌گر می‌باشد. که بطور طبیعی از جنگل انبوه برای استتار استفاده می‌کند. از طرف دیگر سربازان امریکائی با وجود داشتن قدرت آتش فراوان و تحرک کافی قادر به یافتن محل دشمن نبوده‌اند به گفته او آمریکا به صورت «یک گول بدون چشم» درآمده است. لذا از سال ۱۹۶۵، امریکا برنامه «سیستم‌های چریکیاب» را مطرح ساخت، و سازمانی بنام «گروه برنامه ارتباطات دفاعی»

که بتواند در این زمینه تحقیق کند با بودجه‌ای بیش از دو میلیارد دلار بوجد آورد. دکتر هرتز فلد رئیس این برنامه‌ها، در مورد محتوی برنامه چنین گزارش داد که: سیستم‌های ثبت آثار مورد تحقیق برمبنای آثار لرزه‌نگاری مغناطیسی - صوتی - حرارتی- چشمی و آثار مربوط به بویائی می‌باشد. تمام این سیستم‌ها برای این اختراع شده‌اند که «علائم» نیروهای زمینی دشمن را توسط ثبت حرکت آنها محمولات فلزی آنها، صدایشان و یا حرارت بدن و بوی عرق بدن آنها شناسائی کند...

سیستم شناسائی و مراقبت جنگی که با دستگاه‌های گیرنده مجهز شده است اساسا از اجزاء زیر تشکیل شده است:

دستگاه‌های گیرنده (بنام Sensor) که اثر حرکت افراد - وسائل نقلیه را می‌گیرد، یک اتصال مخابراتی (معمولا رادیو) که بین گیرنده و صفحه ضابط قرار دارد. دستگاه ضبط که آثار منتقل شده از گیرنده را دریافت کرده و زمان لازم را برای هدفگیری را که گیرنده احساس کرده است نشان می‌دهد. این عملیات کلا شامل دو گروه از دستگاه‌های گیرنده و عمل‌کننده هستند. اول، واحدهای هوائی که توسط تیم‌های «شکارچی آدمکش» برای جستجوی واحدهای پراکنده چریک در ناحیه وسیع بکار می‌رود.

دوم، واحدهای ثابت پخش شده در شکل منظم، در حوالی یا پایگاه‌ها و یا اردوگاه‌های دشمن و یا در طول یک خط مرزی برای اطلاع‌یافتن و اعلام خطر به مرکز که نفرات شورشگر در حال نزدیک شدن هستند.

واحدهای «شکارچی آدمکش» عبارتست از هلیکوپترهائی که مجهز به دستگاه‌های گیرنده آثار چریک می‌باشند. این هلیکوپترها در ارتفاعات پائین در منطقه موردنظر پرواز می‌کنند. درعین حال توسط هلیکوپترهائی که مجهز به سلاح‌های سنگین و یا توسط بمب‌افکن‌هائی مرتبا محافظت می‌شوند. هواپیماهای محافظی، هلیکوپترهای تجسسی را علیه حملات زدهوئی شورشگر محافظت می‌کنند.

هلیکوپترهای تجسسی یا شناسائی مجهز به یکی از دو دستگاه‌های ضبط آثار بویائی یا ضبط آثار توسط اشعه مادون قرمز می‌باشند.

دستگاه کشف بویائی: (تجزیه مکانیکی بوها) - صنایع مواد غذائی امریکا ابزار دقیقی برای تقسیم‌بندی بوهای مواد غذائی اختراع کرده‌اند. که تحت نظر پنتاگن، اینک برای تشخیص بوهای بدن انسان - تنفس، عرق - مدفوع و غیره بکار برده می‌شود. در این برنامه کلا «علائم شیمیائی بدن انسان در هوا» مورد بررسی و تجزیه و تحلیل و شناسائی قرار می‌گیرد. به طوری که بر اساس آن حتی نژادهای مختلف انسان از سفید و سیاه و بومی تشخیص داده می‌شوند.



این دستگاه‌ها (بوکننده مردم People Sniffers) ابتدا توسط خود سربازان امریکائی حمل می‌شد تا راه دور وجود انسان‌های دیگری را در منطقه تشخیص دهند اما بعداً آنها را تکمیل کرده و بر روی هلیکوپتر سوار کردند، که توسط کمپانی جنرال‌الکترونیک تهیه شده بود و بنام دستگاه «انسان‌یاب S-M-2» شناخته شد.

طرزکار دستگاه بوکننده انسان‌یاب «عبارتست از یک نوع جاروبرقی که روی هلیکوپتر نصب شده است و توسط یک لوله مکندنده هوای منطقه را می‌مکد و به دستگاه‌های داخلی برای تجزیه شیمیائی آنها هدایت می‌کند. بر اساس اندازه‌گیری مقدار آمونیاک موجود در هوای منطقه وجود انسان را مشخص می‌سازد.

چون این هلیکوپترها باید در فاصله پائین پرواز کنند و خطر حمله ضدهوایی شورشگران وجود دارد لذا این هلیکوپتر با هلیکوپترهای دیگری که بنام «آدمکش» معروف است همراه می‌باشد. هنگامی که هلیکوپتر آدم‌یاب، وجود انسانی را در منطقه تشخیص داد، فوراً به ارتفاع بالا پرواز کرده و یک بسته گاز اشک‌آور که حاوی ۲۶۴ خمپاره اشک‌آور است بر روی ناحیه‌ای به مساحت زمین فوتبال پرتاب می‌نماید. براساس گاز اشک‌آور، اشخاصی که در منطقه هستند از پناهگاه‌ها خارج و به اطراف پراکنده می‌شوند. همین موقع است که هلیکوپتر آدمکش حرکات نفرات را می‌گیرد و تمام ناحیه را مورد بمباران وسیع قرار می‌دهد.

البته چون این هلیکوپترها نمی‌توانند بین شورشگر و افراد عادی غیرنظامی فرقی قائل شوند، و یا فرقی میان آمونیاک بدن انسان و اسب قائل شوند... و یا افراد را در منطقه ارزیابی نمایند... تمام، به‌رحال بمباران می‌شود... و این یعنی که هر جنبنده‌ای در منطقه مهدورالدم به حساب می‌آید. و این رویه‌ای بود که امریکائی‌ها در ویتنام به کار می‌بردند.

دستگاه انسان‌یاب با اشعه مادون قرمز: دستگاه‌های اشعه مادون قرمز نسبت به حرارت حساسیت فوق‌العاده‌ای دارند. لذا می‌توان با آنها هر منبع حرارتی را که بطور غیرعادی در زمین وجود داشته باشد تمیز داد و کشف نمود. خواه این منبع حرارت شامل ورود یک موشک از ماوراء جو به درون جو که ایجاد حرارت فوق‌العاده می‌نماید باشد یا حرارت آتش در اجاق منزل یک کدبانو و یا حرارت بدن انسان، دقت این دستگاه‌ها به آن اندازه است که می‌تواند یک درجه اختلاف حرارت با محیط را تمیز دهد. در عمل، در زیر هلیکوپتر آئینه‌ای نصب می‌کنند که اشعه مادون قرمز را از زمین جذب می‌نماید و به درون یک تلسکوپ منتقل می‌سازد، این اشعه مادون قرمز که درجه حرارت زمین و در نتیجه ترکیب و نوع آن را نشان می‌دهد به یک سلول که به حرارت حساس است - منتقل می‌گردد و از آنجا

ایجاد یک جریان الکتریکی می‌نماید که از یک لامپ عبور کرده و به صورت تصویری روی فیلم عکاسی ظاهر می‌شود. این فیلم بعداً چاپ و مورد بررسی متخصصین نظامی قرار می‌گیرد. استفاده از این وسائل در جریان جنگ آسیای جنوبی شرقی به کرات و بطور وسیعی تحقیق شد و سپس مورد استفاده قرار گرفت و بخصوص در تایلند برای کشف اردوگاه‌های شورشگران بکار رفت.

در ۱۹۶۶ این طرح تکمیل و بنام آمپیرت Ampers معروف شد. و سپس پنتاگن توسط دانشگاه‌هایی که در این برنامه‌ها شرکت داشتند (نظیر میشیگان) به تعلیم و تربیت کادرهای ضدشورشگری در کشورهای آسیای جنوب شرقی پرداخت. مقامات پنتاگن ادعا می‌کنند که «پروژه مزبور تاکنون ارزش خود را نشان داده است».

بعدها این دستگاه‌ها با صرف صدها میلیون دلار تکمیل و توسعه پیدا کردند. و آن را در سرزمین‌های مختلفی با آب و هواهای متفاوت مورد آزمایش قرار دادند. این دستگاه‌ها خدمات بسیار زیادی به ارتش امریکا نموده است. یکی از بهترین نمونه‌هایی که از آن استفاده شد، در بلیوی هنگام شکار انقلابی کبیر - چه‌گوارا می‌باشد. که با استفاده از این دستگاه‌ها، در ۸ اکتبر ۱۹۶۷ توانستند بوجود یک نیروی چریکی در دره تنگی پوشیده از جنگل نزدیک رودخانه ریوگران پی ببرند. و سپس به آنها حمله کرده و عده‌ای را کشته و عده‌ای را دستگیر سازند. که در میان دستگیرشدگان چه‌گوارا بود که بلافاصله بعد از ۲۴ ساعت او را اعدام نمودند.

دستگاه کشف صدا: عبارتست از دستگاه حساس صوتی برای ضبط صدای انسان و یا وسائل موتوری و یا هر صدای دیگر که در منطقه غیرطبیعی است. این دستگاه‌ها نه تنها صداهای معمولی را ضبط می‌کنند بلکه امواج ماوراء صوت را نیز قادر به جذب هستند. صداهائی که با گوش‌های عادی شنیدن آنها میسر نیست با این دستگاه‌ها می‌توان صدای اصطکاک پیراهن انسان را با ژاکت‌اش و یا حرکت یک انسان را روی علف در جنگل، حرکت شاخه‌های نازک درختان را تشخیص داد. این دستگاه‌ها - دارای نام‌های سونا بوی و آگوبوی می‌باشند.

گیرنده‌های لرزه‌ای (ژئوفون): که موج فشاری حاصل از راه رفتن یک شخص یا یک وسیله نقلیه را بر روی سطح زمین ثبت نماید. این دستگاه‌ها قادرند در فواصل ۲۰۰ تا ۵۰۰ متری کمترین ارتعاشات حاصله را ضبط و منتقل سازند. در ویتنام، آمریکائی‌ها این دستگاه‌ها را که آنقدر کوچک است که در یک جیب جا می‌گیرد در اطراف اردوگاه‌های

خودشان و یا محل‌هائی که احتمالا مورد حمله دشمن قرار می‌گرفت، نصب می‌کردند و کاملاً جای یک نگهبان دائم را می‌گرفت.

کشف‌کننده‌های مغناطیسی: که وجود فلزات انباشته (تفنگ - مسلسل و غیره) را در یک محل نشان می‌دهد. از آنجا که معمولاً شورشگران همیشه اسلحه خود را همراه دارند، بانصب و قرار دادن این گیرنده‌ها در محل‌های مناسب و کنترل آنها از راه دور می‌توان به وجود یک گروه و یا نزدیک شدن آنها پی برد و عکس‌العمل‌های مناسب بوجود آورد.

رادارهای حفاظتی: این رادارها برای تشخیص یک موجود - انسان یا ماشین یا هواپیما - و حرکت آن و سرعت آن استفاده می‌کنند. این رادارها بنام رادارهای کشف‌کننده هدف‌های متحرک (M.T.I) و بطریق زیر کار می‌کنند. یک طیف انرژی با طول موج مشخص فرستاده می‌شود. این انرژی پس از برخورد با یک مانع (انسان یا ماشین یا غیره) منعکس شده و بسوی مرکز اولیه‌اش برمی‌گردد. و توسط رادار ضبط می‌گردد، رادار انرژی فرستاده شده را با انرژی منعکس‌شده مقایسه می‌نماید. اگر این دو با هم مساوی باشند، هدف ساکن است اما اگر متفاوت باشد نشان‌دهنده حرکت هدف می‌باشد. این محاسبات همه بصورت تصویرها و علائم صوتی روی دستگاه‌های رادار منعکس می‌گردد. انواع مختلفی از این رادارها تهیه شده است. هم نوع ثابت و هم نوع متحرک آن که توسط نفرات حمل می‌گردد. با این رادارها می‌توان یک کامیون را از فاصله ۱۸۲۸۰ متری و یک نفر را در حال حرکت از فاصله ۴،۵۰۰ متری تشخیص داد. حداقل از چهار نوع از این رادارها در ویتنام برای «چریکیابی» استفاده می‌شده است. پنتاگن با کمک مؤسسات فنی امریکا نظیر M.I.T انواع مجهزتر و سبک‌تر و سریع آنها را تهیه کرده است.

دستگاه‌های دیدبانی در شب: شبیخون شورشگر همیشه در شب و در پناه تاریکی است. آمریکا برای جلوگیری و خنثی ساختن حملات ویت‌کنگ‌ها در ویتنام، در ظرف مدت ۵ سال (از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱) نزدیک به ۳۷۰ میلیون دلار صرف ساختن ابزار و آلاتی نمود که بتواند با نورانی کردن جاده‌ها و راه‌ها در شب، آزادی حرکت چریک‌ها را محدود و یا غیرممکن سازد.

طبق گفته ژنرال بتس Betts چهار رشته تکنولوژی برای تحقیق در مورد بکار بستن سیستم‌های دیدبانی در شب بکار می‌بردند: نورهای قابل رؤیت - اشعه نزدیک مادون قرمز - اشعه دور مادون قرمز - تشدید نورانی تصویر. آمریکا از کلیه این ابزارها استفاده کرده و

می‌کند. ابزارهای تشدید نور تصویر یک سیستم دیدبانی است که نور موجود (نور مهتاب، نور ستارگان، یا هر نور بسیار کمی را) ۵۰ تا ۸۰ هزار مرتبه تقویت می‌کند، بطوری که در آن نور اشیاء قابل رؤیت هستند.

ارتش آمریکا دارای یک برنامه آموزش ضرباتی است بنام Sea Niteops که مخفف «عملیات شبانه آسیای جنوب شرقی» می‌باشد. در این برنامه، با صرف میلیون‌ها دلار، هلیکوپترهائی ساخته شده است که با کلیه وسائل دیدبانی در شب مجهز می‌باشند که می‌توان با آن از فواصل بالا، تصویرهای بسیار کوچک را مشاهده کرده و تشخیص داد. هواپیماهای اف ۴ - نوع «وی D» که هواپیماهای جنگنده - بمبافکن هستند، به انواع و اقسام وسایل و ابزار دیدبانی در شب به اضافه اشعه لیزر، برای هدایت بمب‌ها بسوی هدف‌های انتخابی مجهز هستند. در حال حاضر اکثر هواپیماهای نظامی آمریکا به این وسایل مجهز می‌باشند.

نوعی از این هواپیماها بنام OV-10 در جزو پروژه ایگلووایت در بمباران‌های لائوس مورد استفاده قرار گرفته است.

در فوریه ۱۹۷۱ پنتاگن فیلمی را که از یکی از این عملیات در جاده هوشی مینه تهیه شده بود به نمایش گذاشت. و مجله نیروهای مسلح آمریکا نوشت که: فیلم سربازان امریکائی را در حال بکاربردن دوربین تلویزیونی (LLL TV) نشان می‌داد. در حالی که تاریکی همه‌جا را فراگرفته بود دوربین مزبور، تصویر منطقه را با نوری نظیر صبح زود یا هنگام عصر نشان می‌داد. یک کامیون متعلق به ویتنامی‌ها که با سرعت درجاده در حرکت بود بطور مشخص دیده می‌شد. چند ثانیه بعد، بر اثر آتش گلوله‌های ۲۰ میلی‌متری هواپیماهای AC - ۱۱۹ کامیون منفجر و نابود شد» (مجله نیروهای نظامی آمریکا ۱۵ فوریه ۷۱) با اجرای این برنامه‌ها آمریکا از رودروئی مستقیم سربازان خود با ویتنامی‌ها جلوگیری می‌گیرد. ژنرال ایس ویلیامسن در گزارش خود (۱۹۷۰) به کمیته فرعی سنای آمریکا چنین گفت:

ما در حال حاضر کوشش‌های بی‌سابقه‌ای می‌کنیم تا از روبرو شدن سربازان جوان خودمان با ویتنامی‌ها جلوگیری کنیم. سعی می‌کنیم با دشمن به جای بدن‌های مردان جوانمان با گلوله‌هایمان روبرو شویم.

بعدها بجای آنکه نفرات ارتشی در پشت دستگاه‌های تلویزیون بنشینند و به صفحات آن با دقت تماشا کنند... از کامپیوتر استفاده شد و کلید این نوع کنترل‌ها را اتوماتیک کردند.

ژنرال وست مورلند در این رابطه گفت که: «ما در شروع مفهوم کاملاً جدیدی در صحنه جنگ هستیم». با معرفی دستگاه‌های گیرنده عالی سیستم‌های مخابراتی - ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل اتوماتیک آنها دیگر به هیچ‌وجه احتیاجی نیست که تعداد زیادی

سرباز را برای پیدا کردن و درگیر شدن با دشمن مامور سازیم. در جنگ آینده، محل دشمن مشخص شده - دنبال شده تقریباً فوری و با استفاده از شبکه اطلاعات، ارزیابی اطلاعاتی با استفاده از ماشین‌های کامپیوتر و کنترل آتش بصورت اتوماتیک هدف‌گیری می‌شود. با کشتار دور اول، احتمالات به یقین نزدیک می‌شوند. و با دستگاه‌های مراقبتی که می‌توانند بطور مداوم دشمن را تعقیب کنند، احتیاج به نیروهای زیادی که مخالفت‌های علنی و عینی را به وجود می‌آورند، برطرف خواهد شد».

از جولای ۱۹۶۶ آمریکا با تمرکز کلیه تحقیقات علمی مراکز بزرگ آمریکا در جهت تحقیق این اهداف اداره‌ای به وجود آورده به نام مدیریت سیستم‌های مراقبتی کشف هدف و دید شبانه یا Stano و از آن سال تا بحال میلیاردها دلار خرج شده است... سیستم‌هایی که در بالا نامبرده شدند، توسعه نظامی یافته‌اند... تمام این فعالیت‌ها به‌خاطر آن بود و هست که جنگ آینده را «اتوماتیک نمایند» ژنرال وستمورلند در این‌باره چنین گفته است: من صحنه جنگ و نواحی پیکار را که در ۲۴ ساعت تحت همه‌نوع مراقبت واقعی و یا نیمه‌واقعی هستند می‌بینم. من صحنه‌های جنگی را می‌بینم که در آن ما می‌توانیم مکان و محل هر شیئی را (انسان و غیره) پیدا کنیم و توسط مخابرات فوری و استفاده از نیروی آتش فوری آن را نابود سازیم. من ارتشی را ساخته شده در حول یک مجموعه سیستم کنترل می‌بینم که تکنولوژی عالی مخابرات گیرنده و فرستنده‌ها - کشف آتش، و عملیات اطلاعاتی اتوماتیک لازم را به خدمت گرفته باشد...». این سیستم ... برنامه ایگلووایت است. که امریکا عملاً برای مقابله با جنگ‌های انقلابی - جنگ‌های آزادی‌بخش تنظیم کرده است.

رئیس تحقیقات سازمان دفاع پنتاگن - لئونارد سولیوان درباره این پروژه چنین گفته است:

این اختراعات افق‌های بسیار هیجان‌انگیزی را بر اینکه در ۵ یا ۱۰ سال آینده چه می‌توانیم بکنیم بر روی ما می‌گشایند... وقتی که انسان تشخیص دهد که ما می‌توانیم هر موجودی را که از خود عرق دفع کند، حرکت کند، فلزی را با خود حمل نماید، صدا از خود درآورد، یا اینکه فقط از محیط اطراف خود گرمتر یا سردتر باشد، کشف کنیم می‌تواند استعداد ما را ببیند. این آغاز مجهز کردن تمام صحنه جنگ با ابزار دقیق است. شما در سیمای سال ۲۰۰۰ یک نقشه الکترونیکی را می‌بیند که روی آن چراغ‌های کوچک برای هر نوع فعالیت جنگی چشمک می‌زند. این چیزی است که ما در این جنگ «متخلخل» (منظور جنگ ویتنام است. پ.م.) که در آن نیروهای دولت و دشمن با یکدیگر آمیخته‌اند بدان احتیاج داریم.

آیا تدارکاتی از این قبیل در صحرای سینا، برای مقابله با ارتش مصر است؟ یا ارتش

اسرائیل؟ آمریکا و اسرائیل از پیاده کردن چنین طرحی در صحرای سینا چه هدفی دارند و کجا را می‌خواهند کنترل کنند؟

در خاورمیانه جنگ متخلخل را چه کسانی ادامه می‌دهند؟ واقعیت اینست که این تدارکات برای مقابله و کنترل جنبش‌های انقلابی در سرتاسر منطقه بطور عام و جنبش مردم فلسطین بطور خاص می‌باشد.

در طی سال گذشته، الفتح و سایر سازمان‌های انقلابی عملیات ضددشمن را به درون مرزهای اسرائیل منتقل ساخته و آن را گسترش داده‌اند. کنترل مرزهای اسرائیل برای دولت آن بسیار گران - مشکل و طاقت‌فرساست. برای جمعیتی در حدود سه میلیون، بسیج بهترین نیروی کارگر و تمرکز آنها در مرزها، جهت حفظ امنیت، بسیار گران و فرساینده است. و تازه قابل اعتماد نیست - کما اینکه اسرائیل علی‌رغم کنترل شدید مرزهایش - بمباران‌های مکرر اردوگاه‌های مردم فلسطین در لبنان و دهات جنوب لبنان - نتوانسته است عملیات ضددشمن را در درون مرزهای خود، کنترل کند بلکه روزبروز در حال افزایش است... اجرای برنامه ایگلووایت، و کنترل اتوماتیک مرزها می‌تواند به میزان وسیعی تحرک نظامی اسرائیل را بالا ببرد.

موافقت‌نامه مصر و اسرائیل قدم بزرگی است در خیانت به مردم فلسطین و همه جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه و محکوم است.

توسل آمریکا و اسرائیل به راه‌حل‌های تکنولوژی برای مبارزات اجتماعی و سیاسی لاجرم انسان را تحت بیچارگی و درماندگی آمریکا و متجاوزین طغیان‌گر قرار می‌دهد. تمام این دستگاه‌ها کامپیوترها - بمب‌افکن‌ها - که واشنگتن در اختیار دارد و آنها را در راه گسترش هدف‌های تجاوزگرانه خود در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد، علامت آنست که آمریکا و صهیونیست‌ها نتوانسته‌اند مردم منطقه و فلسطینی‌ها را قانع کنند که از مبارزه برای استقلال - آزادی و کسب شرافت انسانی خود دست بردارند. استفاده از این وسائل همان اندازه که در ویتنام پیروزی آمریکا را تضمین کرد، در خاورمیانه می‌تواند مؤثر باشد!!

آیا ستمگران از تاریخ درس نمی‌گیرند!

کلاً سوف تعلمون، ثم کلاً سوف تعلمون... هرگز .....

## «کونوا مؤمنین حسینین»

### مؤمنین حسینی باشید

#### اینست شعار شیعیان مبارز لبنان

حوادث چندماهه اخیر لبنان که ناشی از نزاع افراطیون دست راستی لبنان با فدائیان فلسطینی بوده است و منجر به کشتارها و تلفات و آتش سوزی های اخیر در لبنان بخصوص در شهر بیروت و طرابلس شده است حاکی از دو واقعیت است. یکی توطئه وسیع و دامنه داری برای نابودی اردوگاه های فدائیان فلسطین و بیرون راندن ایشان از لبنان و دیگری بوجود آمدن مقاومت تازه ای در بین مردم محروم لبنان بخصوص شیعیان آنجا برای دفاع از سرزمین خود، جنوب لبنان در مقابل تجاوزات اسرائیل و نیز پشتیبانی ایشان از فدائیان فلسطین در لبنان.

نابودی فدائیان فلسطین در لبنان که از هدف های همیشگی اسرائیل بوده به شکلی که در اردن صورت گرفت ممکن نبود. چه اولاً صلاحیت و قدرت نظامی ارتش لبنان از ارتش اردن کمتر بوده و ثانیاً اکثر افسران و درجه داران آن را مسیحیان تشکیل می دهند. به همین جهت مواجه ارتش مسیحی لبنان با فلسطینی ها نه تنها ضامن پیروزی آن نبود بلکه به اضافه مورد اعتراض عموم طوائف غیرمسیحی لبنان قرار می گرفت. پس می بایست برای سرکوب کردن فلسطینی ها از عناصر میلیشیا ی افراطی داخلی لبنان برای چنین منظوری استفاده کرد تا نزاع بصورت دو گروه متخاصم و بی ارتباط به بقیه مردم جلوه نماید. به همین منظور آنطور که حوادث لبنان نشان می دهد میلیشیا ی حزب کتائب که از احزاب مسیحی دست راستی لبنان است از چند ماه قبل به شدت تمرینات دامنه داری را برای جنگ های خیابانی شروع می کند. اسلحه مورد نیاز کتائب کما اینکه در اخبار تلویزیون C.B.S. آمریکا اعلام شد از طریق فروش اسلحه طی قراردادی بین دولت امریکا و یک شخص غیرنظامی در لبنان انجام می گرفت (البته C.B.S. فسخ این قرارداد را از طرف وزارت دفاع امریکا اعلام کرد).

معذالک چندین بار حملات اعضای میلیشیا ی کتائب به پادگان های فلسطین با شکست و اعتراض مردم لبنان روبرو شد. بخصوص که عناصر متشکل جدیدی از بین خلق مردم لبنان به پشتیبانی فدائیان برآمدند و باعث عاجز شدن کتائب شدند. این عناصر عموماً شیعیان لبنان بودند که بعد از حملات مکرر و چندین ساله اسرائیل به مساکنشان در جنوب لبنان و اهمال دولت لبنان و امتناع ارتش آن از حمایت ایشان متشکل شده و حرکتی بنام (حرکت المحرومین) را بوجود آورده بودند.

محرومیت شیعیان فقط در عدم دفاع از ایشان نبود بلکه مناطق شیعه‌نشین عموماً در اثر غفلت دولت از بیمارستان، مدرسه، آب، برق و بقیه ضروریات اجتماعی محروم بود. بعلت سیستم قبائلی لبنان، بودجه طرح‌های عمرانی براساس نفوذ و تعداد افراد هر طائفه مذهبی تقسیم می‌شود.

شیعیان که هم از نظر تعداد و هم از نظر نمایندگی در تمام ادارات دولتی و مراکز قانون‌گذاری در اقلیت هستند، همیشه از دریافت سهم عادلانه خود از بودجه‌های دولتی و بقیه مزایای استخدامی در موسسات دولتی محروم بوده‌اند. در نتیجه فقر و بیکاری در منطق شیعه‌نشین بسیار مشهود است. اخیراً این طبقات محروم برای کسب حقوق و دفاع از مسکن و زمین خود در اثر کوشش‌های ممتد و اقدامات چندین‌ساله رهبر مذهبی ایشان متشکل شده و حرکت المحرومین را بوجود آوردند تا با تشکل خود حقوق از دست‌رفته اجتماعی خود را کسب کنند و با همکاری با فدائیان فلسطین و گرفتن تعلیمات نظامی از ایشان قادر به دفاع از وطن خود هنگام تجاوزات اسرائیل باشند.

بوجود آمدن چنین تشکلی موجب شگفت دولتیان من جمله حزب کتائب شد بطوری که رئیس آن اظهار داشته بود که سابقه مشکل حزب او و وجود اردوگاه تل‌الزعترا (پایگاه فلسطینی‌ها) می‌بود ولی حالا به شکل تازه‌تری گرفتار شده‌اند که بوجود آمدن اردوگاه‌های کرنیتینا و مسلخ می‌باشد (که هر دو از مناطق شیعه‌نشین بیروت هستند. منتهی پشتیبانی آنها از فلسطینی‌ها بقدری زیاد بود که منطقه‌شان مثل یک پایگاه فلسطینی در نظر رئیس حزب کتائب جلوه نموده است) علاوه بر نهضت حرکت المحرومین شیعیان لبنان از یک سال پیش جبهه جدیدی بوجود آوردند که متشکل از جوانان غیوری بود که برای آموختن تعلیمات نظامی در بعلبک، مرکز قبایل سلحشور شیعه لبنان گرد آمدند و تعلیمات نظامی و اسلحه موردنیاز این جبهه که أمل (افواج المقاومة اللبنانیه) خوانده می‌شود و از جانب الفتح تأمین می‌شود. اخیراً درحوادث لبنان ۲۶ نفر از اعضای این جبهه بعلت منفجر شدن خمپاره‌ای به هنگام تمرین کشته شدند. بدنبال این فاجعه الفتح ایشان را شهید اعلام کرد و رادیو اسرائیل آنان را مخرب خواند. برای ایجاد وحشت بیشتر در منطقه بعلبک و جلوگیری از پیوستن افراد تازه به جبهه أمل دیواره صوتی این منطقه را اسرائیل چندین بار به لرزه درآورد. نه تنها مجروحین این حادثه بلافاصله به میدان عملیات خود پس از اندک بهبودی بازگشتند. بلکه چندین تن از ۲۶ نفر شهید آن‌طور که رهبر مذهبی ایشان در مصاحبه خود اعلام کرد وصیت بزرگی به بازماندگان خود نموده بودند. ایشان در حال احتضار با خون خود بر لوحه‌ای نوشته بودند که: «کونو مؤمنین حسینین» مؤمنین حسینی باشید.

شهادت این ۲۶ نفر رهبر مذهبی شیعیان لبنان را مجبور کرد تا وجود چنین جبهه



مبارزی را که تا آن وقت مخفیانه فعالیت می‌کرد فاش سازد و هدف تأسیس آن را که ایجاد یک ارتش ملی برای دفاع از وطن و نه یک میلشیا برای حفاظت از منافع خاص یک طائفه و یا یک حزب است اعلام نماید.

حرکت‌المحرومین و جبهه أمل تحول شیعیان لبنان را در چند سال اخیر از یک طبقه محروم به یک قشر فعال و پیشرو تحت رهبری قائد مذهبی ایشان آیت‌الله سیدموسی صدر نشان می‌دهد. اخیراً عده زیادی از کارگران، فرهنگیان و غیرنظامیان سایر طوائف سنی و مسیحی نیز به آنان پیوسته‌اند. به همین جهت مرکز رهبری شیعیان (المجلس الاسلامی الشیعی الاعلی) از حمایت و پشتیبانی بسیار توده مردم لبنان برخوردار است. به همین جهت تا وقتی که حوادث اخیر لبنان منحصر به کشمکش بین کتائب و فلسطینی‌ها بود، مرکز رهبری شیعیان چندین بار موفق به متوقف‌ساختن آن شد. اما عوامل خارجی که خواهان آشوب و اغتشاش در لبنان بودند مانع از دوام اقدامات مسلحانه فوق‌الذکر می‌شدند. اسرائیل همیشه درصدد ایجاد چنین وضعی در لبنان بوده است. مطابق گزارش روزنامه النهار چاپ بیروت هنگامی که رهبری شیعه کوشش برای خواباندن نزاع بین فدائیان و کتائب می‌نمود، گروه‌های مسلح ناشناسی در مناطق مختلف شروع به تیراندازی به هر دو جبهه فدائیان و کتائب می‌نمودند. الفتح یک دسته از این گروه‌ها را توانست دستگیر کند و هویت آنها را برملا ساخت. معذالک بعلت ادامه نزاع، تکرار جنگ و اختلاف بین مسیحیان و مسلمانان که یک بار در سال ۱۹۵۸ هنگام ریاست جمهوری کامیل شمعون در لبنان و عبدالناصر در مصر صورت گرفت بیش از پیش امکان می‌گرفت. فروش اسلحه از طرف دولت امریکا به حزب کتائب امکان این جنگ را بیشتر نمود گرچه بعداً امریکا آن را متوقف ساخت. دولت شوروی نیز بی‌بهره از به هم خوردن وضع عمومی لبنان نبود زیرا که این اغتشاش مانع پیشرفت امریکا در حل‌وفصل قضایای خاورمیانه می‌شد و یا حداقل موجب شرکت دادن شوروی در این مذاکرات می‌گردید این عوامل امکان جلوگیری نزاع را برای رهبری شیعیان علی‌رغم کوشش‌های ممتد و موفقیت‌های متعددش در اوائل شروع آن از بین می‌برد.

علی‌رغم وجود ریشه‌های خارجی فوق‌الذکر در ایجاد اغتشاشات داخلی لبنان و نابود کردن فدائیان که دامنه‌دارتر از حیطة خود لبنان می‌باشد حرکت شیعیان در لبنان نیز پیوسته مؤثرتر و ریشه‌دارتر گشته است. آغاز این نهضت که فقط در لبنان بصورت حرکت المحرومین و نیروی سومی در آن کشور ثابت شده بلکه در تمام خاورمیانه نیز چنین شناخته شده و مورد تقدیس قرار گرفته است.

## نگرانی رژیم خائن شاه از افشاگری‌های سازمان‌های بین‌المللی

و اذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا انما نحن مصلحون  
و چون به ایشان گفته شد که در روی زمین فساد نکنید، گفتند هر آینه ما از خیرخواهان  
و نیکوکاران هستیم.

(قرآن)

جنايات بی‌شرمانه رژیم پهلوی و کشتار بی‌رحمانه بهترین فرزندان خلق ایران و اعمال  
بدترین و شدیدترین شکنجه‌های غیرانسانی نسبت به اسیران مبارز در زندان‌های ایران که  
همه در نوع خود بی‌نظیر بوده و رکورد خیانت‌پیشگی را برای رژیم منفور پهلوی ببار  
آورده است. نهضت آزادی ایران در خارج از کشور با کوشش‌های پیگیر خود توانسته است  
که نظر محافل بین‌المللی را نسبت به ایران و رژیم شاه به عنوان یک کشور اختناق‌آور جلب  
کرده و آنها را وادار ساخته است که با ارسال ناظران سیاسی به ایران، رژیم جانی ایران را  
مورد سؤال و فشار قرار دهند. گزارشات ناظرین بی‌طرف این سازمان‌ها که در چند سال  
اخیر به ایران رفته‌اند در پیام مجاهد و سایر نشریات مترقی منتشر گشته است.

یکی از این سازمان‌ها، Amnesty International سازمان عفو بین‌المللی است که رسالتش  
رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی در نقاط مختلف جهان و دفاع از حقوق ایشان بوده و  
تاکنون توانسته است با قدرت و اعتبار بین‌المللی خود فشار زیادی بر دولت‌های جبار و  
ضدانسانی در کشورهای مختلف وارد سازد. این سازمان مشاور سازمان ملل متحد در  
امور مربوط به وضع زندانیان سیاسی است و همین سازمان بود که چندی پیش برای  
رسیدگی به علت اعدام ۹ نفر از انقلابیون اسیر در زندان شاه، ناظرانی به ایران ارسال  
داشت و ضمن صدور اعلامیه‌ای شهادت این ۹ نفر را در زیر شکنجه تأیید کرد. (پیام مجاهد  
شماره ۳۲) و یا در مورد دستگیری و شکنجه مهندس میثمی و دکتر عباس شیبانی تلگرافات  
اعتراض در بیانیه‌های افشاگرانه صادر کرده است. همین سازمان کامل‌ترین گزارشات را  
در مورد قوانین ارتجاعی سازمان امنیت و سیستم قضائی ایران منتشر ساخته است.

نظارت و افشاگری‌های این سازمان بین‌المللی موجب نگرانی و خشم شدید رژیم شاه  
شده است، به طوری که دست به دروغ‌پردازی زده و این سازمان را متهم به جاسوسی و  
پشتیبانی از کمونیسم کرده و در ننگین‌نامه‌های خود به این سازمان حمله نموده است. از  
جمله این ننگین‌نامه‌ها، مجله خواندنی‌ها (شماره ۹۳ سال ۳۵) است که بدون اینکه به روی  
مبارک خود بیاورد و به طور خاص از نظارت‌های این سازمان در مورد ایران و

افشاگری‌های آن از وضع زندان‌های سیاسی ایران و جنایات رژیم شاه نامی ببرد (گویا ایران زندان سیاسی ندارد!!) بطور کلی از دخالت‌های آن در کشورهای جهان سوم!! گلایه و شکایت کرده و اشک تمساح برای این کشورها ریخته است. فعالیت‌های این سازمان را پدیده‌ای از استعمار خوانده است. در زیر عین این گفتار را می‌آوریم و تحلیل آن را بر عهده شما می‌گذاریم:

خواندنیها شماره ۹۲ سال ۲۵

### مشاور سازمان ملل متحد یا مباشر کمونیسم بین‌المللی؟

جهان در حال رشد و توسعه در یکی از خطرناک‌ترین شرایط تحول و تغییرات بنیادی خود با پدیده ظاهرالصلاحی از استعمار مواجه شده است.

سازمان عفو بین‌المللی یا به عبارت روشن‌تر، مشاور سازمان ملل متحد در زمینه مطالعه وضع زندانیان سیاسی، پدیده خلق‌الساعه‌ایست که از کویر کمونیسیم روئیده و رسالتش اینست که باصطلاح سرسبزی و خرمی را برای کشورهای جهان سوم به ارمغان بیاورد.

حقیقت اینست که سالهاست سازمان شناخته‌شده‌ای که خود را مدافع حقوق زندانیان و بویژه زندانیان سیاسی معرفی می‌کند با تعقیب و تهدید نمایندگانی را به کشورهای جهان سوم و یا کشورهای وابسته به جهان صنعتی پیشرفته که تعلق به ایدئولوژی کمونیسیم ندارند گسیل می‌دارد هدف اولیه این ماموریت بدان صورت که رهبران سازمان عنوان می‌کنند. رعایت نهایت بی‌طرفی در تحقیق از احوال و روزگار زندانیان بطور کلی و زندانیان سیاسی بخصوص است اما آنچه که در عمل از جانب نمایندگان این سازمان به ظهور می‌رسد و اینک مواردی مکرر از آن در سراسر جهان و بویژه در کشورهای جهان سوم علنی گردیده است به نحو کاملاً صریحی با هدف‌های ظاهری که عنوان می‌کنند منافی است شواهد و قراین بین‌المللی متعدد از فعالیت‌های این سازمان جای کمترین شبهه‌ای باقی نگذاشته است که سازمان عفو بین‌المللی نه ارگانی دوستدار آزادی و عدالت و نه مهربانی واقعی برای ملت‌های در حال رشد و توسعه است (زمینه محدودی که این سازمان در آن فعالیت می‌کند و منحصر کردن دامنه تحقیقات و باصطلاح مهربانی‌ها در کشورهای جهان سوم که سرسختانه با ایدئولوژی کمونیسیم جنگیده‌اند و نطفه‌های وجودی آن را در جنین خفه کرده‌اند و بالاخره انصراف مطلق این سازمان از تحقیق درباره شرایط اندوهبار و

قرون وسطایی زندانیان سیاسی در جهان کمونیسم به خوبی پرده از نیات واقعی آن برمی‌گیرد و تعلقات و وابستگی‌های سیاسی و مغرضانه آن را عیان می‌سازد.

سازمان عفو بین‌المللی که با عنوان مشاور سازمان ملل متحد در زمینه مطالعه وضع زندانیان سیاسی به یک دوره فعالیت‌های گسترده در کشورهای جهان سوم و بویژه آن کشورها که تن از زیر پذیرش سیطره و سلطه استعمار نو و کمونیسم رها کرده‌اند آغاز کرده است خیلی زودتر از آنچه که تصور می‌رفت ماهیت غیرصمیمی و ناسالم خود را آشکار ساخت و نشان داد که از حسن‌نیت مراجع مسئول و از سلامت و صحت اعتقادی مردم این کشورها آنچنان که رسم حق و انصاف است استفاده نمی‌کند بلکه برعکس، برخلاف تمام موازین حقوق بین‌المللی به مداخله در امور داخلی و مسائل مملکتی آنان و اشاعه و نشر اکاذیب درباره آنها می‌پردازد. سازمان عفو بین‌المللی که ظاهراً عهده‌دار تحقیق درباره کمو کیف زندگی و چگونگی وضع زندانیان سیاسی در جهان است عملاً بصورت سازمان حامی و طرفدار سرسپرده‌ترین افراد به ارتجاع بین‌الملل و کمونیسم در آمده و تمامی هم و کوشش خود را به نشر اخبار خلاف حقیقت و دفاع از کسانی مصروف می‌دارد که به استناد اسناد گویا در مقام تروریست‌های حرفه‌ای و خائنین مسلم و نوکران شناخته‌شده استعمار و کمونیسم فعالیت می‌کرده و اینک گرفتار عدالت شده‌اند.

فعالیت‌های خرابکارانه این سازمان در پاره‌ای از کشورهای جهان سوم موردی زنده از چگونگی و ماهیت استعماری و ضدانسانی این سازمان است. سوءاستفاده از آزادی عمل که در این کشورها به اعضای این سازمان جاسوسی داده شده بود، مخابره اخبار خلاف واقعیت و افشای این خلاف‌گوئی‌ها و بالاخره اثبات موارد متعدد مداخله این سازمان در خرابکاری‌های مسلحانه و فعالیت‌های تروریستی در پاره‌ای از کشورها بخوبی پرده از واقعیت وابستگی این سازمان به کمونیسم بین‌المللی برداشت و نشان داد که واقعیت وجودی این سازمان جاسوسی نه در جهت حفظ منافع زندانیان سیاسی و هیچ زندانی دیگر و نه درباره شناخت حق و عدالت و انصاف بلکه در جهت تقویت نیروهای ضدملی و خائنان شناخته‌شده در کشورهای رو به توسعه و در جهت خدمت به استعمار نو و کمونیسم بین‌المللی است.

تنها شکل و نحوه رابطه‌ی مسئولان پاره‌ای از کشورهای آگاه و آشنا با نیات این سازمان جاسوسی و عکس‌العمل این سازمان در قبال صمیمیت و حسن‌نیت ارگان‌های رسمی این کشورها یک بار دیگر بخوبی به جهانیان چهره حق و ناحق را نشان داد و به آنانی که درباره کشورهای بیدار گمان‌های ناسنجیده داشتند اثبات کرد که قدرت سیاسی و مردم این جوامع در داخل با چه عوامل و تحریکات ضدامنیتی و ضدملی روبرو هستند،

صداقت کشورهای که به فعالیت این سازمان مجال و فرصت عمل دادند و دورویی و جاسوس‌مآبی سازمان عفو عمومی این ارگان جاسوسی بین‌المللی وابسته به کمونیسم یک بار دیگر برای همیشه نشان داد که حنای دشمنان در کشورهای که با استعمار از در مبارزه درآمده‌اند رنگی نخواهد داشت و ملت‌های هوشیار خیلی زود و بی‌امان دشمنان خود و جانبداران بین‌المللی آنان را می‌شناسد و دست‌های آلوده‌شان را می‌گشاید.

## آیت‌الله منتظری در سیاه‌چال رژیم

رژیم ایران به خیال خود میخواست با تبعید خمینی بزرگ، ریشه نهضت مترقی روحانیت را قطع کند، غافل از اینکه اساس و ریشه این نهضت متکی به یک فرد و یا چند فرد مشخص یا غیرمشخص نیست بلکه این جامعه روحانیت است که بعد از رکود و سردرگمی ناشی از جو خفقان دوران رضاخان، دوباره براه اصولی و خط‌مشی اساسی شیعه که جانبداری از حق مبارزه با طاغوت و طغیان و تجاوز است افتاده و می‌رود که جامعه مذهبی ایران را به این راه حق بکشاند و لذا دیدیم که با تبعید آیت‌الله خمینی از ایران نه‌تنها روحانیت آرام نگرفت بلکه نهضت اسلامی عمق و گسترش بیشتری یافت و ابعاد سه‌گانه جنبش را در خود بوجود آورد.

پس از تبعید خمینی بزرگ رژیم جلا و خونخوار شاه به کوردلی خود ادامه داده و هرچا روحانی مبارزی دید در سایه همین سیاست و به منظور قطع رابطه او با خلق مسلمان ایران به دستگیری، تبعید و شکنجه و حتی قتل او دست زد و یا حداقل وی را از شرکت در نماز جماعت، سخنرانی و نگارش ممنوع ساخت. ولی خوشبختانه ده سال تجربه در این راه جز شکست و انزوا برای رژیم و نفوذ و موفقیت برای جامعه مترقی اسلامی چیزی دربر نداشته است، علی‌رغم تعطیل بسیاری از مراکز مترقی دینی و کنترل منازل عده‌ای از بزرگان روحانیت و محروم و ممنوع کردن جمع‌زیادی از وعاظ و نویسندگان و ائمه جماعت (به خیال خام خود) قطع رابطه آنان با خلق، با توسل به زندان و تبعید، درست در نقطه مقابل تمایل رژیم رابطه ناگسستنی خلق مسلمان ایران و روحانیت مبارز، هر چه عمیق‌تر و صمیمی‌تر گشته و نفوذ و تأثیر آنها بر توده هر چه بیشتر و گسترده‌تر شده است.

دو سال پیش رژیم براساس همان سیاست «جلادی کورکورانه» خود بطور ناگهانی و با استفاده از بهانه عملیات انقلابی رزمندگان شجاع و فداکار گروه «ابوذر» در قم، یورش

وحشیانه‌ای به حوزه علمیه قم برد و حدود سی نفر از بزرگان روحانیت و اساتید حوزه را که به خیال کج او مایه و پایه ادامه نهضت روحانیت بودند دستگیر و به اطراف ایران تبعید کرد. گذشته از اینکه برخلاف نظر ناصواب رژیم این گروه فقط بخشی کوچک از سرمایه‌های انقلابی روحانیت بودند و نه همه آن، نفس این اقدام و تجاوز جدید، صفحه دیگری بر کتاب قطور اشتباهات جلال افزود و موقعیت جدیدی در اختیار نهضت روحانیت که نه تنها شهر قم بلکه همه ایران پهنه تلاش اوست قرار داد. تبعید این سی تن از روحانیون مبارز به شهرها و قصبات دورافتاده، در عین حال موهبتی بود برای اهالی این نقاط که بطور عادی کمتر دسترسی به چنین انقلابیونی داشتند. ایشان علی‌رغم ارباب‌ها و تهدیدات رژیم بطور شایسته‌ای از میهمانان قهرمان خود استقبال کردند و بدون استثنا همه این مراکز دورافتاده بصورت مراکز جدیدی برای نهضت اسلامی درآمد. مخصوصاً آمد و رفت طلاب جوان و علاقه‌مندان دیگر نهضت، به منظور ملاقات و اظهار وفاداری و تقویت نهضت، به این شهرها و طبعاً برخورد موثر آنها با مردم، آثار بسیار ارزنده‌ای داشت. تضادهای درونی رژیم و گيجی و سردرگمی جلال هم که نمی‌توانست به سرعت موفقیت جدید را درک کند ضامن دیگری برای بهره‌برداری بیشتر از این موقعیت بود.

با گذشت زمان و رسیدن گزارشات زیاد از آثار بیداری مردم تبعیدگاه‌ها و جمع‌بندی آنها که برای دستگاه پوسیده رژیم ایران مدت زیادی وقت لازم دارد، او را تازه متوجه اشتباه خود کرد و برای چاره‌جویی تصمیم گرفت که جای تبعیدی‌ها را عوض کند و هریک از آنها را به جای جدیدی که به زعم خودش محیط مرده و ناآشنائی می‌باشد منتقل سازد. بدین ترتیب آیت‌اله منتظری از طبس به خلخال منتقل گردید و به منظور جلوگیری از تأثیرگذاری ایشان در تبعیدگاه جدید نامه غلاظ و شدادی همراه با بخش‌نامه‌هایی به شهربانی خلخال فرستاده شد تا از هرگونه عمل تبلیغی و مذهبی ایشان چون منبر، خطابه، درس و حتی حضور ایشان در اجتماعات جلوگیری شود. ولی این بخش‌نامه‌ها هم چون هزاران نمونه دیگر آن بی‌اثر مانده و آیت‌اله منتظری تأثیر خود را بر خلق می‌گذارد و این بار رژیم مجبور می‌شود ایشان را از خلخال به سقز که منطقه سنی‌نشین است بفرستد. در سقز وضع مزاجی معظم‌له خوب نبوده و حتی ماموران جلال رژیم اجازه استفاده از پزشک و دارو به ایشان ندادند. ولی چه فایده که با این جنایت‌ها نور خدا خاموش نخواهد شد و آتش ریشه‌دار انقلاب که پایه از کانون حرارت آفرینش می‌گیرد، سرد نمی‌شود و طبیعی است که در نهایت گرگ تیرخورده چه عکس‌العملی می‌تواند نشان دهد. وقتی که سقز با سرمای ۴۰ درجه زیر صفر و محیط سنی‌نشین خود نتواند حرارت انقلابی یک رهبر شیعه را بی‌اثر کند، رژیم خونخوار به چه حربه‌ای به‌جز «کمیت» می‌تواند متوسل شود؟!

آیت‌اله بزرگوار منتظری را پس از دو سال تبعید و دربدری شبانه از تبعیدگاه خود می‌دزدند و بدون اطلاع بستگان، نزدیکان و ارادتمندان ایشان، معظم‌له را به زندان می‌برند. هفته‌ها گذشت و کسی از سرنوشت شخص دوم جامعه شیعه و مرد نیرومند روحانیت خبری نداشت. دلهره همه دلها را گرفته بود که مبادا عطش خون جلا و یزید زمان که با شهادت سعیدی‌ها، غفاری‌ها، قریشی‌ها و ده‌ها روحانی و فرزند قهرمان و انقلابی دیگر خلق فروکش نکرده، این‌بار خواسته است که از خون یکی از مراجع تقلید شیعه و نایب بحق امام زمان، بنوشد تا بدین‌ترتیب از سلف بحقش یزید بن معاویه خیلی عقب نباشد.

گزارش‌های وحشتناکی نیز از زندان، دائر بر شکنجه معظم‌له و شلاق زدن بر ایشان به بیرون رسیده بود، آتش ناراحتی و خشم خلق می‌رفت که از جائی فوران نماید و حادثه‌ای شبیه ۱۵ خرداد و ۱۷ خرداد امسال بیافریند که رژیم با اشاره دلاننش، با انتقال آیت‌اله منتظری به زندان قصر بطور موقت از فوران آتش جلوگیری کرد. در زندان قصر نیز اخیراً جلادان رژیم به منظور شکستن روحیه زندانیان سیاسی دستور داده‌اند که زندانیان سیاسی همه بالاجبار لباس مخصوص زندان را به تن داشته باشند و به همین منظور آیت‌اله منتظری را هم مجبور ساخته‌اند که لباس زندان را بپوشد غافل از اینکه این مقام و ارزش یک مبارز را کم نمی‌کند و چیزی از شخصیت و استواری او نمی‌کاهد.

ما از راه دور به این مرجع فداکار درود می‌فرستیم و فداکاری و استقامت کم‌نظیر ایشان را به خود ایشان و روحانیت مترقی و همه رزمندگان راه حق و خلق تبریک می‌گوئیم و به جلاد بی‌شرمی که در راه شکستن ابهت و جلال و شکوه فروزان دین تا این حد پیش می‌رود ننگ و نفرت نثار می‌کنیم.

### **شناور شدن سلطان عمان و عربی ساختن جنگ ظفار!؟**

چندی قبل ملک‌حسین برای یک بازدید رسمی به مسقط رفت و سلطان قابوس در سفر وی به منطقه «ظفار» او را همراهی کرد. منطقه‌ای که چندین سال است، جنگ آزادی‌بخش در آن جریان دارد و سلطان به یاری نیروهای انگلیس و سپس ایران و بسیج یک ارتش مزدوری از گوشه و کنار جهان... با آن مقابله می‌کند. دیدار این‌بار ملک‌حسین از منطقه ظفار دارای مفهوم ویژه‌ای است. زیرا چندگاهی است که برخی از کشورهای عربی سخت به حضور ارتش ایران در عمان اعتراض کرده و خروج آنها را خواستار شده‌اند. از جمله دولت لیبی اعلام کرده است که هرگاه ارتش ایران از ظفار و عمان خارج نشود لیبی ارتش خود را

برای مقابله با نیروهای انگلیس و ایرانی و دفاع از جنبش انقلابی به منطقه خواهد فرستاد. لذا تحت تأثیر این فشار ممکن است که ارتش اردن جای ارتش ایران را بگیرد و البته عربستان سعودی هم که در عین حال با ایران رقابت دارد از اردن پشتیبانی خواهد نمود و مخارج عملیات نظامی را خواهد پرداخت. بنابراین ممکن است که نیروهای موجود ایران در ظفار از آن منطقه بیرون برود، به شرط آنکه سلطان بتواند جای خالی آنها را با نیروهای عربی، بطور مشخص اردنی، پر کند....

اکنون عملاً اعزام نیروهای اردن به عمان صورت موجودیت رسمی و شناخته شده‌ای به خود گرفته و از طرفی هم اردن مدت‌هاست که شروع به عقد قراردادهای اسلحه، به حساب و پول سلطان، گاهی با بریتانیا و گاهی با آمریکا کرده است.

بطوری که به نظر می‌رسد، سلطان تنها نیازمند اسلحه و نیروهای انسانی برای مواجهه با انقلاب در داخل کشور خود نیست. بلکه به پول نیز احتیاج دارد. چرا که وی با حالت حیف‌ومیلی روبرو گردیده که بر اثر آن درآمد کشورش را از نفت کاهش داده است و بخش عظیمی از این حیف‌ومیل‌ها در زندگی خصوصی او صورت می‌گیرد.

روزنامه واشنگتن‌پست خاطرنشان می‌سازد که هنگامی که کارشناسان سلطان برای دریافت وام بزرگی به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار از یک بانک امریکائی کوشش می‌کردند... سلطان قرارداد خرید کشتی خصوصی را به هزینه ۳۰ میلیون دلار امضا می‌نمود تا آن را به خاطر تفریح خود به مهمانخانه شناوری در بندر مسقط تبدیل نماید. این‌گونه حیف‌ومیل‌ها موجب تهدید کشور به فقر و بدبختی شده است در حالی که مجموعه درآمد عمان از نفت بالغ بر هزار و دویست میلیون دلار است و تعداد جمعیت این کشور از ۷۰۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کند.

قابوس از جمله در نوامبر گذشته ده میلیون دلار برای ایجاد شبکه تلویزیون رنگی به مناسبت عید سلطنت عمان پرداخته است!

قابوس در ژانویه گذشته موفق به دریافت وامی از یک بانک بازرگانی امریکائی شد که مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار ذکر شده است و بدین طریق میزان وام‌هائی را که قابوس تاکنون و بعد از این در آینده بدست آورده نزدیک به ۴۰ درصد از تمامی درآمد عمان را از نفت تشکیل می‌دهد... به همین علت کارشناسان و مشاوران پولی بانک‌های امریکائی که به سلطان وام می‌دهند اخطار کرده‌اند چنانچه وی جلوی این حیف‌ومیل‌های خود را نگیرد، وام‌هائی را که به وی می‌دهند بزودی متوقف خواهند ساخت.

روزنامه امریکائی می‌افزاید ورشکستگی عمان ناشی از علت دیگری نیز هست که به حیف‌ومیل‌های مربوط به خوش‌گذرانی‌های وی نیز اضافه می‌گردد... و آن اینکه سلطان ۴۰



درصد دیگر از بودجه خود را برای خرید اسلحه‌ای اختصاص داده که بوسیله آن با انقلابیون جبهه آزادی‌بخش عمان می‌جنگد، در ضمن سلطان معمولا به خرید گرانباترین اسلحه نیز علاقمند است چون او اخیرا یک فروند جنگنده بمبافکن انگلیسی مدل جاگوار خریداری کرده که گرانباترین نوع هواپیمای جنگی به حساب می‌آید....

علی‌رغم همه اینها جبهه آزادی‌بخش عمان همچنان به پیروزی‌های جدیدی نائل می‌شود... و این چیزی است که ناراحتی و خشم قابوس را برمی‌انگیزد زیرا انقلابیون جبهه، چند هفته قبل موفق شدند که دو هواپیمای اطلاعاتی ایران را واژگون سازند و ۱۸ سرباز انگلیسی و ایرانی و اردنی را در طی یک سلسله از حملات خود در بخش مرکزی ظفار - بخش جنوبی سلطنت عمان - زخمی و یا مجروح کنند. (به پیام مجاهد شماره ۳۰ رجوع کنید)

قابوس از مواجهه با اوضاع عاجز شده است.... و از نیروهای ایرانی درخواست کرده است، حمله همه‌جانبه بزرگی را بر بخش شرقی ظفار با حمایت از طرف واحدهای جدید زمینی و دریائی و هوائی آغاز کنند. این نیروها اقدام به بمباران وحشیانه اماکن و محل تجمعات مردم کرده‌اند.

پس از سفری که چندی قبل هلمز برای بررسی اوضاع به منطقه نمود، اخیرا وزیر دفاع بریتانیا به خاطر مطالعه و بررسی منطقه جنگ علیه انقلابیون در جنوب ظفار و مطمئن ساختن قابوس به عمان رفت... اما با این وصف قابوس مطمئن نشد و یک افسر ارشد استرالیائی را موسوم به «کیث‌باین» استخدام کرده تا بعنوان مستشار نظامی برای وی خدمت کند. وی از افسران پیشین در جنگ ویتنام است. او همچنین یک سلسله اعدام‌هائی را علیه انقلابیون آغاز کرده است. رادیو دولتی روز ۲۱ آوریل حکم اعدام چهار تن انقلابی را پخش کرد.

قابوس همچنین از امریکائیان خواسته است که مواد پیمان نظامی بین عمان و ایالات متحده به مورد اجرا درآید.

قابوس و هم‌پیمانانش تصمیم به حمله همه‌جانبه بزرگی را قبل از فرارسیدن فصل باران گرفته‌اند، تا پیروزی سریعی را بدست آورند و ضمنا مردم را وادار به ترک مناطق آزادشده و خالی کردن روستاها نمایند و در نتیجه قادر به محاصره انقلابیون گردند.

این نیروها مجبور به عقب‌نشینی عظیمی در حملات خود علیه منطقه غربی عمان گردیده‌اند. با این وصف .... خیالات بزرگی را که قابوس و هم‌پیمانانش در مورد خاموش ساختن شعله‌های انقلاب در سر می‌پروراند امروزه بیش از هر وقت دیگر دور از واقعیت است.

## اخبار

### دستگیری‌ها و اخبار زندان‌ها:

• دانشمندان معظم آقایان طبسی، هاشمی‌نژاد و جمعی دیگر از فضلالی مشهور را اخیرا بازداشت کرده‌اند. آقای هاشمی‌نژاد بعلت سخنرانی درباره واقعه اخیر قم دستگیر شده‌اند.

• بعد از دستگیری سه پسر و یک دختر بنام بتول دزفولی در مشهد، پلیس فورا به منزل حجت‌الاسلام دزفولی امام جماعت در تهران یورش برده و دو دختر دیگر ایشان را به نام طیبه و طاهره دستگیر کرده و اکنون از این خانواده فرزندی آزاد نیست. جلیل یکی از پسران ایشان به دو سال زندان محکوم می‌باشد ولی خلیل پسر دیگرشان اخیرا مصاحبه کرد.

• آیت‌اله مشکینی از روحانیون و مبارزین بزرگ قم که جزو سی تن تبعیدی از حوزه قم می‌باشند اخیرا از گلپایگان به کاشمر منتقل شده‌اند. در بین راه، در اصفهان و مشهد تجلیل بسیاری از ایشان شده است. در اصفهان در حدود پانصد طلبه در مسافرخانه از ایشان دیدن کردند.

• آقای صالحی نجف‌آبادی که در راهر زنجان تبعید بود بعدا به تویسرکان و اینک پس از یک سال به مهاباد منتقل شده‌اند.

• یکی دیگر از گردانندگان دبیرستان دخترانه رفاه آقای حاج غیوران اخیرا دستگیر شده است. وی را چند روز در مغازه‌اش آورده بودند و منوچهری معاون سازمان تهران مراقب بوده است که چه کس با او تماس می‌گیرد.

• بعد از دستگیری سهیلا خواهر مجاهدشهیید ناصر صادق، محمد صادق برادرش نیز تحت تعقیب قرار گرفته و گاه بیگاه ساواک به منزل حاج صادق یورش می‌برد.

• در قم پس از تظاهرات ۱۷ خرداد و دستگیری ۵۰۰ نفر و کشتن عده‌ای در حدود ۲۰ تن و سربازی فرستادن حدود ۱۵۰ نفر، هنوز وضع قم عادی نشده و دستگیری‌های جدیدی هر روز رخ می‌دهد. دو مدرسه دارالشفاء و فیضیه با اثاثیه طلاب در قبضه پلیس است.

• حجت‌الاسلام حاج آقا مهدی طباطبائی برادرزن مرحوم سعیدی شهید مدتی است که تحت تعقیب و متواری است.

• در رابطه با طلاب دستگیرشده، عده‌ای پس از آزادی دوباره دستگیر شده‌اند. از جمله حجت‌الاسلام آقای سیدمحمد کلانتر بعد از تبعید و چهار سال زندان، حجت‌الاسلام شیخ قدرت‌اله علیخانی، حجت‌الاسلام شکری - بعد از یک سال و نیم زندان - حجت‌الاسلام احمد فاضلزاده، حاج شیخ علی فرسی، اسلامی، اصلانی، و مهدی ربانی (پسر آقای ربانی) - پس از دو سال زندان و عده‌ای دیگر که اسامی آنها در دست نیست.

• فواء انصاری فرزند حجت‌الاسلام آقای عطاءاله انصاری به علت نامعلومی دستگیر شده است. او دانشجوی سال دوم دانشکده پزشکی است.

• آقای تورج ثقفی پسر دکتر رضا ثقفی برادر همسر آیت‌اله خمینی در سوم مرداد ۵۴ دستگیر و به کمیته برده شده است. و آقای کاوه علی‌آبادی پسرخاله تورج نیز بلافاصله پس از دستگیرشدن تورج، دستگیر می‌شود. علت دستگیری ایشان داشتن اعلامیه بوده است.

• در کاشان سه دانشجو که برای عمران رفته بودند در هنگام پخش اعلامیه اخیر آیت‌اله خمینی دستگیر می‌شوند. این اعلامیه در همه شهرها از جمله قم و تهران و مشهد و اصفهان و تبریز و شیراز منتشر شده و بجز در کاشان در جای دیگر کسی بعنوان پخش آن دستگیر نشده بود. فقط در موقع حمل این اعلامیه از مشهد به شیراز برادر آقای هاشمی‌نژاد دستگیر شده است.

• ثقه‌الاسلام کروی که در دادگاه بدوی به اتهام ارتباط با مجاهدین به ۵ سال زندان محکوم و در زندان قصر بوده اخیراً به کمیته برده شده است.

• دکتر شیبانی، مسعود رجوی و سایر اعضای سازمان مجاهدین هم‌اکنون در اوین زیر شکنجه هستند.

• از فروردین ۵۴ زندانیانی که از چهل سال کمتر داشته باشند و دوران محکومیتشان

تمام شده باشد، طبق فرمان شاه جلاد دوباره به شکنجه‌گاه کمیته برده و سپس به زندان برگردانده می‌شوند. تاکنون این طرح درباره ۲۶۰ نفر اجرا شده است. شایع است که ساواک در فکر ساختن شهرکی برای زندانیان سیاسی است. زندان مجهز و مدرن اوین نیز جدیداً افتتاح شده و حدود ۴۰ هزار زندانی جای می‌گیرد نظیر این زندان فقط در تل‌آویو می‌باشد.

### ممنوعیت سخنرانی برای آقای مطهری:

آقای مرتضی مطهری از دانشمندان و روحانیون متعهد و استاد دانشگاه تهران، اخیراً در سراسر کشور از ایراد سخنرانی و کنفرانس ممنوع شده است. در بخش‌نامه‌هایی که درباره ایشان به شهرستان‌ها فرستاده‌اند این جمله دیده می‌شود که: نامبرده لیاقت سخنرانی مذهبی را ندارد!

### ایتالیا در ایران بندر می‌سازد:

اخیراً قرارداد ساختن یک بندر بزرگ جدید در بندرعباس با یک شرکت ایتالیائی در تهران امضا شده است. روزنامه‌های ایتالیایی خصوصاً به این مطلب اشاره می‌کنند که مبلغ این قرارداد حدود یک میلیارد دلار و برای صنایع این کشور یک رکورد محسوب می‌شود.

### آزادی آقای خامنه‌ای از زندان:

دانشمند و نویسنده متعهد و گوینده متنقد، آقای سیدعلی خامنه‌ای که از شخصیت‌های برجسته روحانیت مرفقی هستند به تازگی از سیاه‌چال کمیته آزاد شده‌اند. نه ماه پیش رژیم جلاد بدون عذر موجه به منزل ایشان در مشهد یورش برده و ایشان را با مصادره مقداری از کتاب‌ها و دست‌نویس‌هایش بازداشت نموده و در تمام این مدت خانواده و بستگان ایشان از سرنوشتشان بی‌اطلاع بوده و حتی از محل بازداشت و محتوای پرونده ایشان خبری در دست نبود.

روشن‌گری‌های ایشان در مشهد در سطح وسیعی دستگاه را متوحش کرده و بنای کرامت را که پایگاه تبلیغاتی ایشان بود همچون حسینیه ارشاد تعطیل نموده و سپس که دید تجمع مردم و مخصوصاً روشنفکران در مسجد کوچک دیگری در خیابان فردوسی که ایشان جلسه درس داشتند علاقه‌مندان را وادار به توسعه مسجد نموده است، آن مرکز جدید را هم تعطیل و ایشان را بازداشت نمود، ولی در مقابل خشم و تنفر روزافزون مردم و دریافت گزارشات مبنی بر اظهار تنفر اهالی مشهد اخیراً مجبور به آزادکردن ایشان شده و ما هنوز از وضع حال و سرگذشت دوره زندان ایشان اطلاع دقیقی نداریم. در گذشته

برادران آقای خامنه‌ای آقایان سیدهای خامنه‌ای و سیدحسن خامنه‌ای نیز بازداشت شده‌اند. اولی که واعظی مشهور است به ۳۷ ماه زندان و دومی که معلمی متعهد است به یک سال زندان محکوم‌اند.

درود به خانواده رشید خامنه‌ای.

### تخلیه اجباری خانه‌های بانک سپه:

در روز پنج‌شنبه ۲۱ اوت ۷۵ دژبان‌های مسلح ارتش به خانه‌های بانک سپه در سه‌کوی شهناز یک و دو و سه واقع در خیابان شمیران قدیم یورش برده و ساکنان آن را که همه افسران ارشد بازنشسته و غیربازنشسته بوده‌اند مجبور به تخلیه نموده، اثاثه آنان را رسماً به خیابان آورده و سقف خانه را سوراخ و لوله‌کشی و وسائل زندگی را منهدم کرده‌اند. به این خدمتگزاران سالیان ارتش فقط ۴۸ ساعت برای اسباب‌کشی مهلت داده شده بود و چون هیچ‌کدام از این خانواده‌های متعدد در شرایط فعلی تهران نتوانسته بودند نسبت به تهیه خانه جدید اقدام کنند نتیجتاً اثاثه‌شان به نحو بالا تخلیه شده بود. سپس فرمانده دژبان ورقه‌ای را که مشعر بر رضایت مستأجرین بود به آنها داده و تکلیف به امضاء نمود و تمام افراد امضاء کردند. از جمله مستأجرین سرتیپ ریاحی بوده که در هنگام یورش، در ظفار مشغول به جنگ با مردم آنجا بوده است. این اقدام پس از سال‌ها مشاجره با صاحب‌خانه یعنی بانک سپه که می‌خواست خانه‌ها را تخلیه کند انجام شده است. چند نفر از اعضای این خانواده شکایت را حتی تا دربار برده بودند ولی به ایشان گفته شده است که از این جریان حرفی نباید بزنند.

اینست پاداش یک عمر جیره‌خواری و نوکری دربار!

### گزارش مخصوص از جنبش آزادی‌بخش فیلی پین

توسط خبرنگار «محمد سخن می‌گوید» ارگان مسلمانان سیاه آمریکا. صبح - مالزیای شرقی: وقتی قایق موتوری ما که مملو از آوارگان و پناهندگان بود شهر بیلاقی دامبانگا را در (فیلی پین) ترک کرد، هرگز تصور نمی‌کردم اولین خبرنگاری باشم که از منطقه تحت کنترل شورشگران دیدن کنم.

من به قصد دیدار شهر جولو - سوار قایق شده بودم. جولو مرکز حاکم‌نشین جزیره سولو است. و هنوز بمباران‌های هوایی مکرر نیروهای دولتی، در موقع تصاحب شهر

توسط انقلابیون مسلمان، شهر را می‌لرزاند. من انتظار داشتم که نظیر سایر روزنامه‌نگاران بتوانم از شهر دیدن کرده و گزارشاتی تهیه کنم. این روزنامه‌نگاران معمولاً زیر نظر حاکم نظامی ارتش فیلیپین تنها مجاز بودند چند عکسی از چند خرابه بگیرند و بعد گزارش مامورین نظامی را که «همه چیز تحت کنترل است و تنها وظیفه‌ای که باقی مانده است تمیز کردن شهر است کار انقلابیون تمام شده است» عیناً گزارش دهند. اما بجای آن قایق ما بعداز ۱۲ ساعت دریانوردی در کناره‌های ساحلی جنوب جزیره در بین فان، یک شهر کوچک، مملو از آوارگان، لنگر انداخت. و از آنجا قایق ما به دهکده ماهیگیری - باتوباتو - که در کنترل کامل انقلابیون بود وارد شد. موقعی که ما در دهکده باتوباتو لنگر انداختیم انقلابیون که از هویت من آگاه شده بودند مرا پیش آقای بن هور دان‌دان، دبیر کل شورای انقلاب در میان کوهستان هدایت کردند.

دان‌دان، ۲۶ ساله و سابق معلم مدرسه بوده است. او دو سال است که به جنبش انقلابی پیوسته است. چند ماه قبل، شهر جولو، یک منطقه آرام و آیدال در نواحی بیلاقی بود، کوهستان‌های سر به آسمان کشیده پوشیده از ابر، دره‌های آرام، و کناره‌های دریائی‌اش آرام و زیبا و آب‌هائی به روشنی اشک چشم. در زیر قیافه‌های نجیب و بشاش مسلمانان توسک (Taosug) که ساکنین که این منطقه را تشکیل می‌دهند، مردمی بسیار مستقل و با روحیه‌های جنگجو و شجاع وجود دارد. در زمان فتح جزایر فیلیپین توسط اسپانیائی‌ها در ۱۵۹۶، این مسلمانان بطور مسلسل و مرتب تسلط هرگونه حکومت خارجی را نفی کرده و در برابر آن مقاومت کرده‌اند. اما در فاصله این جنگ‌ها مسلمانان توسک به کار ماهی‌گیری - زراعت و برگزاری جشن‌های خاص خود نیز پرداخته‌اند. توریست‌ها برای آرامش و استراحت به شهر جولو می‌آمده‌اند. اما اکنون سکوت و آرامش فقط در فاصله بمباران‌های نیروی دولتی دیده می‌شود.

بعد از ۱۵ دقیقه راه‌پیمائی در درون جنگل‌های انبوه که ما را از دیدگاه هواپیماهای گشتی و اکتشافی دشمن محافظت و پنهان می‌کرد، من و دان‌دان به یک غار زیرزمینی وارد شدیم. جائی که در فاصله کوتاهی از ما یک بمب دولتی منفجر گردید. دان‌دان برای من شرح داد که «تمام روز و تمام شب را، خمپاره‌اندازه‌های دشمن مراکز ما را بمباران می‌کنند - خصوصاً در موقع نماز بخيال خود، بهترین وقتی که ممکن است ما را غافلگیر کنند وقت نماز است. اما آنها غافلند که ما به درگاه خدا دعا می‌کنیم و او ما را قوی‌تر می‌سازد». در داخل غار یک زن روستائی بازوی یک دختر جوانی را که نیمی از آن بین رفته بود زخم‌بندی می‌کرد. اما آنها هیچ‌گونه داروئی در دسترس نداشتند. دان‌دان می‌گفت: «از وقتی که مسلمانان شهر را تصاحب کردند، و بعد عقب‌نشینی نمودند، ما دیگر وسایل درمانی در

دسترس نداریم. تنها مواد غذایی ما آن چیزی است که از اراضی تحت تسلط خودمان بدست می‌آوریم. اما زراعت بسیار خطرناک شده است. مردم غیرنظامی سخت تحت فشار هستند. ارتش مارکوس قصد دارد ما مسلمان‌ها را به کلی از بین ببرد. کلیه نیروهای مقاومت در فیلیپین سرکوب شده‌اند، تنها نیروی مقاوم مسلمانان هستند.

پرسیدم چرا؟ گفت: به این علت که در این منطقه منابع غنی و وسیع نفتی وجود دارد. اراضی آن بسیار حاصلخیز است. و پرزیدنت مارکوس با سرکوبی مسلمانان می‌خواهد برای خود کسب اعتبار کند و به دنیا بفهماند که آرامش بر جزایر حاکم است. اما ما مسلمان‌ها برای حفظ اراضی خود حاضریم جانمان را فدا سازیم.

دان‌دان، نظریات و عقاید «جبهه آزادی‌بخش ملی مسلمانان Moro National Liberation Front را که یک نام جدیدی است بر یک جنبش و مبارزه طولانی و قدیمی برای من شرح داد. نام جبهه، معرف اتحاد میان بیش از ۵۰۰۰ جنگجوی مجاهدی است که من از نزدیک آنها را مشاهده کردم. کلیه جنگجویان بدون استثنا، به رهبری نورالحاج حسین سوآری که قبلاً پروفیسور دانشگاه فیلیپین بوده است و وجود یک پایگاه مرکزی کوهستانی اعتراف می‌کردند. عموماً هدف از جنگ انقلابی خود را ایجاد سرزمین مستقل «جمهوری اسلامی بانگسا» Bangaa Moro Republic ذکر می‌کردند.

زدو خورد وقتی شدت یافت که نیروهای دولتی، از مراکز و پایگاه‌های خود در شهرهای پرنگ، میومینگ و جولو به مراکز نیروهای انقلابی حمله کردند. انقلابیون شکست فاحشی بر نیروهای دولتی وارد ساختند. و آنها را به عقب نشاندیدند. اما از حملات وسیع ۷ فوریه به بعد نیروهای انقلابی، موضع دفاعی دارند. نیروهای انقلابی اتخاذ موضع دفاعی را ناشی از حملات وسیع و مداوم جت‌های اف۶، که امریکا به دولت فیلیپین داده است و بطور دائم شهرها را بمباران می‌کند، می‌دانند علاوه بر بمباران‌های هوایی اف۶ که آمریکائی‌ها آنها را «جنگنده‌های آزادی‌بخش» می‌نامند، نیروی دریایی و خمپاره‌اندازها، مرتب شهرها و دهات را به زیر گلوله‌های خود گرفته‌اند. اما صرف‌نظر از همه این فشارها در مجموع مردم بومی زندگی آرام خود را، در پرتو کنترل انقلابیون ادامه می‌دهند. نیروهای جنگنده انقلابیون کلیه راه‌های اصلی و مراکز دهقانی و راه‌های جنگلی را شب و روز محافظت می‌کنند. ظاهر این جنگجویان بسیار جالب است. همه جوان با موهای نسبتاً بلند، دستمالی به سر بسته، و شلوارهای آبی با کت‌های خاکی‌رنگ پوشیده‌اند بر روی سینه هر کدام کلمه «الله» بافته و دوخته شده است.